

نماگر سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن بر
توسعه اجتماعی - اقتصادی و دموکراسی

جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی

گردآوری و برگردان: سیدفتح الله پور موسوی

۱- مقدمه

می‌کنند که همکاری‌هایی چون همکاری انجمنهای اولیاء - مربیان، گروههای دوره‌ای محلی،^۵ و تعاونیهای روستایی، از طریق طیفهای مختلفی از سازمانهای غیررسمی در بخش داوطلبی، راه‌حلهای محلی را برای مشکلات و مسائل اجتماعی ارائه می‌کنند، که یک مکانیسم بدیل برای اداره حکومت، و یک بستر آموزشی برای دموکراسی به‌شمار می‌رود. در دهه ۱۹۸۰، نظریه پردازان جنبش اجتماعی، با تأکید بر نقش سازمانهای بانفوذتر همچون سازمانهای طرفدار محیط زیست، فمینیستها و جنبش صلح، این رویکرد را مورد اصلاح و بازبینی قرار داده و

نظریه پردازان مختلفی چون دو توکویل^۱ و جان استوارت میل^۲ تا دورکیم، زیمل^۳ و کورنهاوزر^۴ مدتها پیش بر اهمیت جامعه مدنی و انجمنهای داوطلبی، به‌عنوان جوهره حیاتی دموکراسی تأکید کرده‌اند. پیرامون ادعا بر توانایی و قابلیت جوامع مدنی در انجام وظایفی که دولتها و بازار در اجرای آن با شکست مواجه شده‌اند، چیز خاص و جدیدی وجود ندارد. نظریه‌های پلورالیستی دهه ۱۹۶۰، بر نقش گروههای ذی‌نفع در تجمیع و بیان خواستها و مطالبات عمومی، که از طریق ارائه کانالهای بدیل چندگانه‌ای از مشارکت سیاسی، شهروندان را به دولت متصل می‌سازند، تأکید کرده‌اند؛^(۱) پلورالیستها اظهار

1. de Tocqueville
2. John Stuart Mill
3. Simmel
4. Kornhauser
5. Local recycling groups

روزآمد ساختند. این سازمانها مانند سازمانهایی که عملکرد انجمنهای مستقیم را تسهیل می‌کنند، به عنوان راهی برای بیان ارزشهای پست-ماتریالیستی خصوصاً برای نسل جوانتر، بشمار می‌روند.^(۲) امروزه کار بر این اساس استوار است. اما مسئله قابل توجه در نظریه‌های مدرن جامعه مدنی این مدعاست که فعالیتهای مشورتی رودرو و همکاریهای هم‌تراز در انجمنهای داوطلبی از قبیل باشگاههای ورزشی، تعاونیهای کشاورزی، یا گروههای خیریه، مدتهاست که از عرصه سیاسی کنار رفته و با افزایش توانایی برای کار گروهی در آینده، و همچنین ایجاد تعهدات زندگی اجتماعی که جزء اصول جامعه مدنی و دموکراسی بشمار می‌روند، اعتماد بین افراد را بهبود بخشیده‌اند. گروههای سازمان یافته، نه تنها به اهداف سودمند مطمئنی دست می‌یابند، بلکه به نظر می‌رسد که در روند دستیابی به چنین هدفی آنها سبایی را نیز برای ایجاد همکاری، یا سرمایه اجتماعی بیشتر بوجود می‌آورند.

ترکیبی از توزیع کنش‌گرایی مشارکتی و اعتماد اجتماعی می‌باشد، توسعه می‌بخشد. بخش چهارم به مقایسه توزیع سرمایه اجتماعی در سرتاسر جهان می‌پردازد. بخش پنجم شاخص مذکور را برای بررسی پیامدهای سرمایه اجتماعی بر توسعه اجتماعی - اقتصادی و دموکراسی بکار می‌برد. در نتیجه‌گیری نیز، به شرح مفاهیم نتایج حاصله، جهت کارکرد دموکراسی‌ها پرداخته می‌شود.

نظریه سرمایه اجتماعی پوتنام

نظریه‌های سرمایه اجتماعی از عقاید پیر بوردیو^۶ و جیمز کولمان^۷، که بر اهمیت روابط اجتماعی و هنجارهای مشترک در رفاه اجتماعی و کارآمدی اقتصادی تأکید می‌کنند، نشأت گرفته است.^(۳) پیرامون این مفهوم ذهنی مرسوم اما گنگ، چندین درک متفاوت وجود دارد. در این مقاله ما سعی خواهیم کرد تا بر شیوه‌ای تمرکز کنیم، که رابرت پوتنام^۸ از طریق مرتبط ساختن تفکرات سرمایه اجتماعی با تفکر لزوم انجمنهای مدنی و سازمانهای داوطلبی در دستیابی به مشارکت سیاسی و حکومت کارآمد در کتاب کارکرد دموکراسی‌ها^۹ و بولینگ انفرادی،^{۱۰} آن را توسعه داده است.^(۴) به نظر پوتنام، سرمایه اجتماعی، «روابط بین افراد- شبکه‌های اجتماعی

برای بررسی و تحقیق پیرامون الزام سرمایه اجتماعی جهت حصول به دموکراسی، بخش نخست این مقاله، به مرور خلاصه‌ای از بحثهای اصلی نظریه پوتنام می‌پردازد. در بخش دوم، مشکلات مفهومی و متدولوژیکی ارزیابی گرایشهای مختلف در سرمایه اجتماعی با استفاده از شهود تجربی موجود مطرح می‌شود. بخش سوم شاخص سرمایه اجتماعی را، که

6. Pierre Bourdieu 7. James Coleman

8. Robert Putnam

9. Making Democracies Work (1993)

10. Bowling Alone (2000)

و هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی ای که از این طریق حاصل می شود - می باشد.»^(۵) مهمتر از همه این که، این مسئله، هم به عنوان یک پدیده ساختاری (شبکه های اجتماعی) و هم به عنوان یک پدیده فرهنگی (هنجارهای اجتماعی) مفهوم بوده است. این ماهیت متضاد همراه با تلاش برای برآورد سرمایه اجتماعی اغلب باعث بروز مشکلاتی گردیده است که عموماً بر یک بعد متمرکز می شود، نه هر دو بعد.

در این نظریه سه ادعای اساسی نهفته است. اول این که شبکه های هم تراز، عموماً در یک جامعه مدنی تجسم یافته اند و هنجارها و ارزشهای مرتبط با این پیوندها، برای مردم و در مقیاس وسیعتر برای جامعه دارای پیامدهای مهمی می باشد، که هم باعث ایجاد منافع خصوصی و هم عمومی می گردد. خصوصاً شبکه هایی که اعضای آن را دوستان، همکاران و همسایگان تشکیل می دهند، معمولاً در کلافی^(۱۱) از وظایف و مسؤولیتهای متقابل همراه با هنجارهای تقابل عمومی قرار دارند، بنحوی که روابط نزدیک، اوضاع را جهت همکاری، مشارکت و تعاون، جهت ایجاد منافع جمعی، بهبود می بخشد. به نظر می رسد درکهای متقابل، قوانین تلویحی، شیوه های مورد توافق و اعتماد اجتماعی، که به وسیله تماسهای فردی و پیوندهای دوستانه ایجاد شده اند، باعث آسانتر شدن همکاری مردم در آینده در جهت منافع طرفین گردیده است: چه این فعالیتها شامل جمع آوری اعانه

11. Skein
12. Roladex
13. Cognitive skill
14. Arrow

گروه‌های اجتماعی، از طریق پیوند بین شکاف‌های اجتماعی تفرقه‌اندازانه، متحد ساختن مردم دارای ارزشها و گذشته‌های متفاوت، بهبود بخشیدن «خلق و خویهای قلبی»^{۱۵} همانند بردباری، همکاری و رابطه متقابل، و همچنین از طریق مشارکت در ایجاد زیربنای اجتماعی استوار، پربار و درخشان، نقش حیاتی را در ایجاد سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند.

علاوه بر این پوتنام در بحث پیرامون این نظریه که سرمایه اجتماعی، دارای پیامدهای سیاسی قابل ملاحظه‌ای است، از دیگر نظریه‌پردازان معاصر خود نیز فراتر می‌رود. این نظریه می‌تواند به عنوان یک مدل دوپله‌ای از این که چگونه جامعه مدنی، مستقیماً باعث بهبود سرمایه اجتماعی می‌شود، و این که چگونه سرمایه اجتماعی (شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی از جامعه مدنی برمی‌خیزد)، موجب تسهیل در مشارکت سیاسی و حکومت‌داری مطلوب می‌گردد. وی خصوصاً با تکیه بر تحلیلش از دولت منطقه‌ای ایتالیا، ادعا می‌کند که، کلاف فشرده و عظیم روابط مشارکتی، و جوامع مدنی پربار، به حکومت مؤثر و کارآمد کمک می‌کند. دلایلی که اساس این رابطه را تشکیل می‌دهند، از لحاظ نظری، چندان توسعه یافته نیستند، اما گفته می‌شود که این توسعه نیافتگی بدین علت است که همکاریها با تزریق ارزشها و هنجارهایی چون همکاری و مسئولیت‌های مشترک در اعضاء خود،

تأثیر داخلی دارند و این در حالیست که، آنطور که پلورالیستها، مدتها در چارچوب بیان و تجمیع منافع بحث کردند، در یک واحد سیاسی گسترده‌تر تأثیر خارجی نیز دارند.^(۷) پوتنام اظهار می‌دارد در دموکراسی‌هایی که از سرمایه اجتماعی مطلوبی برخوردارند، شهروندان آگاه، بیشتر مراقب رهبران منتخب برای پاسخگویی به عملکرد خود هستند، و رهبران نیز از مورد بازخواست قرارگرفتن خود آگاهی کامل دارند. به نظر می‌رسد که جامعه مدنی و هنجارهای مدنی، به عنوان مثال از طریق حمایت از گفتگوهای سیاسی و بسیج شرکت‌کنندگان انتخاباتی، باعث تقویت روابط بین شهروندان و دولت خواهد گردید. پوتنام اظهار می‌دارد در صورتی که دولت منتخب دارای عملکردی مؤثر باشد، آنگاه این موضوع، اعتماد عمومی را در خصوص کارکرد نهادهایی همچون قوای مقننه و مجریه بالا برده و حمایت‌های گسترده از نظام سیاسی را افزایش می‌دهد.^(۸) به نظر می‌رسد حکومت کارآمد، باعث تقویت ارتباط بین شهروندان و دولت‌ها شده و بدین وسیله شرایط زیربنایی را که باعث بوجود آمدن تعهد مدنی و دموکراسی مشارکتی می‌باشند بهبود می‌بخشد.^(۹) ادعای اصلی این نیست که رابطه بین اعتماد اجتماعی و سیاسی، در یک سطح فردی عمل می‌کند، بنحوی که افرادی که به اجتماع اعتماد دارند به حکومت نیز اعتماد

دارند، و به راستی شواهد کمی در اثبات این نظر وجود دارد.^(۱۰) به بیان دقیقتر، همان گونه که سرمایه اجتماعی یک پدیده ارتباطی است که می تواند به عنوان دارایی گروهها، انجمنهای محلی و ملتها به حساب آید نه افراد، پیوند بین اعتماد اجتماعی و سیاسی نیز باید در یک سطح اجتماعی قابل مشاهده باشد. «ما» می تواند در سرمایه اجتماعی فقیر یا غنی باشد اما «من» نمی تواند.

نهایتاً، پوتنام در کتاب بولینگ انفرادی خود، مفصل ترین مجموعه از شواهد را ارائه می کند

که نشان می دهد جامعه مدنی در کل، و سرمایه اجتماعی به طور اخص در آمریکای بعد از جنگ، دچار نزول اساسی گردید. وی به چندین

دلیل عمده، از جمله فشار زمانی و پولی برای این سیر نزولی اشاره می کند. اما در نهایت این

تحولات تکنولوژیکی و رسانه ای، خصوصاً افزایش سرگرمیهای تلوزیونی به عنوان منبع

اصلی فعالیتهای تفریحی آمریکایی هاست که پوتنام از آن به عنوان علت اصلی کاهش ارتباط

اجتماعی و از بین رفتن تعهد اجتماعی در ایالت متحده با تأییراتی به مراتب عمیقتر بر نسل

جوانتر، یاد می کند.^(۱۱) او بحث می کند که در آمریکای دهه ۱۹۵۰، اوقات فراغت، تدریجاً از

خصیصه تجربه جمعی ای چون سینما، رستوران محلی، و ملاقات در تالار شهر، به وسیله نور

رقصان لامپ تصویر تلوزیون، خصوصی شده است. وی اظهار می دارد که خصوصی سازی

فراغت، منجر به یک گوشه گیری عمیق از زندگی خواهد شد. پوتنام در بیان این ادعا که تمایلات مشابه، در جوامع فراصنعتی مشابه نیز قابل مشاهده هستند، به خوبی جانب احتیاط را، رعایت می کند اما تلویحاً اظهار می دارد که چنانچه این جوامع، تحولات سکولار مشابهی را در بخش تکنولوژی و رسانه ای تجربه کرده باشند، برخی از شواهد چنین نزولی در سرمایه اجتماعی آشکار خواهد شد. خلاصه مطلب این که اساس نظریه پوتنام این ادعاها را تقویت می کند که:

۱- شبکه ها و هنجارهای اجتماعی برای همکاری،^{۱۶} مشارکت^{۱۷} و هماهنگی^{۱۸} اجتماعی ضروری هستند؛

۲- سرمایه اجتماعی پیامدهای مهمی برای دموکراسی در پی دارد، و این که؛

۳- سرمایه اجتماعی در آمریکای بعد از جنگ دچار کاهش شده است.

این ادعاهای مهم تئوریک، باعث بروز نظریه های جالب و آشکاری گردیده اند که

بایستی در یک آزمون تجربی مورد بحث قرار گیرد. بسیاری از بحث ها در ادبیات این مسئله

را مورد بررسی قرار داده است که آیا سرمایه اجتماعی، در ایالات متحده و دیگر کشورها،

طی سالیان متمادی تحلیل رفته است یا خیر. ما هنوز باید، بحث بر سر این مسئله منطقی که

16. Cooperation 17. Coordination
18. Collaboration

پدیده را تحت تحقیقات و بررسی‌های خود اشاعه دهند، سرمایه اجتماعی ممکن است با مثال ساده تولید بیشتر گرمانسبت به روشنایی، این مسئله را اثبات کند. سه مسئله مهم در ارزیابی عبارتند از؛ شبکه‌های غیررسمی طرد،^{۱۹} ابعاد ساختاری جذب^{۲۰} سرمایه اجتماعی سوای ابعاد فرهنگی، و بررسی تأثیرات فردی امانه در سطح گسترده.

شبکه‌های رسمی و غیررسمی

معمولترین نظریه حامی پوتنام، شبکه‌های اجتماعی را بیشتر در غالب اصطلاحات ساختاری (از طریق عضویت مشارکتی رسمی) مورد ارزیابی قرار داده است تا تعهدات اجتماعی ناملموس تر و غیررسمی تر. در اغلب کشورها، بررسیهایی که گرایشهای طولی را در عضویت مشارکتی به معرض نمایش می‌گذارند، اکثراً محدود به یک یا دو بخش از قبیل کلیساها و اتحادیه‌ها بوده‌اند و به همین دلیل اطلاعات قبل از دهه ۱۹۶۰ یا ۱۹۷۰ معمولاً، قابل دستیابی نمی‌باشد. در نتیجه، مطالعات تاریخی - نهادی، که کپی دوم بولینگ انفرادی به شمار می‌روند، بر روی یادداشتهای رسمی عضویت در سازمانهای داوطلبی همانند باشگاههای اجتماعی و انجمنهای بشر دوستانه، متمرکز شده‌اند. با این حال هنوز این استراتژی در هنگام برخورد

کاهش احتمالی سرمایه اجتماعی، در کارکرد دموکراسی‌ها مهم می‌باشد را مورد حمایت قرار دهیم، بویژه اگر ملتهای دارای سرمایه اجتماعی غنی، به وسیله خصوصیتی چون تحمل، تعهد به دموکراسی و حکومت دموکراتیک کارآمد مشخص شوند. آیا سرمایه اجتماعی دارای چنین پیامدهایی هست، و آیا این گفته درست است که سرمایه اجتماعی، در عصر بعد از جنگ، در جوامع فراصنعتی دچار کاهش گردید. این نظریه سهم مهمی در دوام و بقای دموکراسی دارد. چراکه در غیر این صورت، هرگونه کاهشی، ممکن است باعث نگرانی سیاسی کمی گردیده و از این رو سقوط باشگاههای اجتماعی‌ای چون Elks و باشگاههایی از این دست همانند Dodo از نوادر تاریخ به شمار می‌روند.

مشکلات مفهومی و متدلوژیکی، ارزیابی

قبل از بررسی هرگونه مدرکی، باید بسیاری از خطرات مفهومی و تله‌های متدلوژیکی که مسیر هرگونه تلاشی را برای ارزیابی منافع در سرمایه اجتماعی، با مشکل مواجه می‌سازد مورد توجه قرار داد. باید علایم هشداردهنده‌ای در این مسیر نصب گردد: «هنگام ورود به این بحث مراقب باشید.» کوششهایی که برای استخراج این پدیده از اطلاعات تجربی موجود انجام گرفته به طرز یأس‌آوری غیرممکن می‌نماید. پیش از این که جامعه‌شناسان، ارزیابیهای معتبر، محکم و قابل اتکایی از این

19. Excluding informal networks

20. Including structural dimensions

با سطوح بزرگتری از سختی و دشواری با چالشهای عدیده‌ای روبرو می‌شود.^(۱۲) یکی از مشکلات کنونی، دقت و اعتبار گزارشهای تاریخی است: شاید حتی بیش از یادداشتهای احزاب رسمی، طومارهای عضویت^{۲۱} برای سازمانهای داوطلبی نامتمرکز، گروههای اجتماعی و انجمنهای محلی، دستخوش چندین جریان سیاسی می‌باشند، که بسیاری ممکن است ناقص باشند، و در ارقام نیز به صورت سیستماتیک، و بدون هرگونه بزرگنمایی عمدی، مبالغه شده باشد. تغییرات در وضعیت قانونی و مالی ممکن است باعث تغییر اساسی در ثبت یادداشتهای گردد. به عنوان مثال به دنبال متمرکزسازی و کامپیوتری کردن یادداشتهای احزاب، برآوردها و ارزیابی‌ها دقیقتر و حتی باعث کاهش ناگهانی تعداد ظاهری اعضا گردیده است. علاوه بر این یادداشتهای رسمی در تمییز و تشخیص بین عضویت قانونی و بالفعل، ناتوان هستند. بین فعالان داوطلب قدیمی که درگیر کار طاقت فرسای حفظ سازمان، سر و کله زدن با نمایندگان کارگرانی که حقوقشان پرداخت نشده، اسکان مدیران تعاونی، یادبیران شعب مختلف انجمنهای اولیاء و مربیان هستند، و طفیلی‌های فرعی تر،^{۲۲} شرکای نامنظم، اعضا صوری که به دلیل منافع جنبی مختلف اعم از دریافت حسابهای بیمه و پزشکی، جذب شده‌اند، یا به طور خودکار، به خاطر مزیت و موقعیت شغلی عضو شده‌اند،

تفاوت عمده‌ای وجود دارد. حتی اگر حامیان جنبی که بندرت در جلسات حاضر می‌شوند غیب شوند، (آب شده و به زیر زمین روند) تعداد فعالان و سازمان دهندگان اصلی، ممکن است همچنان بدون تغییر باقی بماند. حتی اگر گزارشهای تاریخی معتبر و محکم باشند، با این حال در گرایش روشمند معمول برای ارزیابی فهرست سازمانهای قدیمی تر و بوروکراتیک تر همچون اتحادیه‌ها و گروههای اجتماعی که دارای اعضاء پیوسته و حقوق بگیر هستند، مشکل دیگری وجود دارد. انجمنهای حرفه‌ای، اتحادیه‌های کارگری و گروههای وابسته به کلیسا اغلب از یک شکل سازمانی بوروکراتیکی برخوردارند که با خصوصیاتی چون، قوانین عضویت رسمی، ساختار طبقاتی و بوروکراتیک، تشخیص منطقی، قوانین مکتوب، بنیادهای مستقل، و اعضاء رسمی تمام وقت، مشخص می‌شوند.^(۱۳) در عوض جدای از مسائل فوق‌الذکر بسیار مشکل است که بتوان شواهدی برای مفهوم غیررسمی از تعلقات و هویت‌های جنبشهای اجتماعی همانند فمینیست، گروههای صلح طلب یا طرفداران محیط زیست بدست آورد. چراکه اغلب فهم این که معنای آن در «اجتماع» چه می‌باشد مشکل است. فعالترین و متداولترین شکل بسیج افکار عمومی در عصر کنونی در جنبشهای مخالف جهانی سازی در

21. Membering rolls

22. Peripheral hangers - on

سیاتل، گوتنبرگ و جنوا قابل مشاهده است که این جنبشها مشخصه‌هایی همچون ارتباطات از هم گسسته^{۳۳} و غیر متمرکز، حداقل ساختارهای رسمی رهبری، ائتلاف‌های موقتی ناهمگون، فعالان خودمختار را دارا می‌باشد، که همه موارد فوق‌الذکر با هدف دستیابی به تغییرات سیاسی می‌باشد و با این وجود هیچ‌یک از آنها در فهرستهای متعارف عضویت قرار نمی‌گیرند.^(۱۴)

در جوامع در حال توسعه فقیرتر، (که همچون شبکه‌های مردمی فعالان سیاسی) بواسطه پیوندهای غیررسمی ایجاد شده از طریق دوستان و خانواده به هم نزدیک می‌شوند، فعالیت در زمینه مسائل محلی مدارس، تولید آب و غذای سالم، بندرت با عضویت رسمی و سازمان بوروکراتیک مدل وبری قابل انطباق است.^(۱۵)

ارزیابی ابعاد ساختاری فارغ از ابعاد فرهنگی

چنانچه بر این دو مشکل اولیه غلبه کنیم، و یادداشتهای دقیق، جامع و قابل اتکایی را که متعلق به گروههای مختلف ذی‌نفع سنتی و جنبشهای جدید اجتماعی باشد، پایه‌ریزی نماییم، پژوهشگر بایک مشکل جدی‌تری روبرو خواهد شد. عضویت مشارکتی، هم برای جنبه‌های ساختاری سرمایه اجتماعی (شبکه‌های اجتماعی) و هم برای هنجارهای فرهنگی (اطمینان و همکاری) شاخصی جایگزین معرفی می‌کند. گرایشهای کلان سطح، اغلب در سطح انجمنهای مختلفی چون گروههای کهنه سرباز، باشگاههای ورزشی، انجمنهای دانشجویی، مورد بررسی قرار می‌گیرند، اما مشخص نیست که آیا تمامی سازمانهای داوطلب، در ایجاد هنجارهای فرهنگی همکاری متقابل، تحمل و اعتماد اجتماعی، یا حتی پیوندهای دوستی و دانشگاهی که در بطن نظریه سرمایه اجتماعی قرار دارند، به یک اندازه مؤثرند یا خیر؟ به عنوان مثال، سازمانهای وابسته به جوانان همانند Scouts یا Guides، یا باشگاههای هنری و ورزشی مدرسه‌ای، ممکن است با آموزش هنجارهای همکاری و احترام متقابل در دوران کودکی، نقش مهمی را در روند تکوینی جامعه‌پذیری ایفا نمایند، در حالی که انجمنهای حرفه‌ای و اتحادیه‌های تجاری، ممکن است بیشترین تأثیر را در حفظ شبکه‌های سودمند در محیط کار داشته باشند. بسیاری از امور اولیه، عضویت در انجمنهای رسمی را به عنوان شاخصی برای تشخیص شبکه‌های اجتماعی، مورد ملاحظه قرار می‌دادند، اما هنوز این امکان وجود دارد که روابط غیررسمی نیز همچون صرف دستجمعی غذا، بحث بر سر آب سردکن در محیط کار یا پیوندهای گسترده خانوادگی، راههای بهتری را برای ایجاد هنجارهای اجتماعی اعتماد متقابل، رابطه و تحمل ارائه کنند تا عضویت رسمی. بنابراین عضویت سازمانی رسمی، تنها یکی از شاخصه‌های شبکه سازمانی اجتماعی بشمار رفته و ضرورتاً مهمترین آنها نیست. در واقع

چنانچه مردم در یک فرهنگ کهن، بیش از این که بر گروههای مدافع بوروکراتیک ترمبنتی برسود اتکا کنند بر روابط خانوادگی گسترده یکپارچه، یا پیوندهای خونی و خویشاوندی اتکا می کردند، مشارکت متقابلاً به خوبی امکان پذیر می بود.

مسئله اینجاست که در سازمانهای مدنی همانند صلیب سرخ، انجمنهای کوندو یا تعاونیهای غذایی سازمان یافته، این دو بعد ممکن است به خوبی همراه هم به پیش روند. اما طبق گفته پوتنام، ممکن است در عملکرد شبکه های اجتماعی، اختلاف فاحشی وجود داشته باشد، همان گونه که سرمایه مالی را می توان هم برای تهیه نان و هم برای خرید سلاح بکار برد. شبکه ها نیز قادرند، تا با تقویت تبارگرایی، تفرق نژادی و فرقه گرایی، گروهها را با یکدیگر با شیوه هایی که در کل برای جامعه دارای نتایج منفی هستند، متحد سازند. علاوه بر اینها، برادری خونی مافیا، شبکه های منسجم سندیکاهای مواد مخدر کلمبیا، یا دیدگاههای انحصارگرایانه و نژادپرستانه Klan Ku Klux، همگی نمونه هایی از انجمنهای یکپارچه و وابسته متقابل به شمار می روند. باید گفت تحمل و اعتماد اعضاء در داخل یک انجمن ضرورتاً به معنای تحمل افراد غیر عضو نبوده، و بعضی اوقات خلاف این نیز می باشد. (۱۶) پوتنام با تمایز بین «شبکه های ارتباط دهنده»^{۲۴} که از لحاظ اجتماعی دارای ماهیتی جذب کننده و

نفوذپذیر بوده و بدین وسیله روابط بین گروههای ناهمگن را ممکن می سازند، و شبکه های «تعهدآور»^{۲۵} که دیگران (افراد غیر عضو) را طرد می کنند، به بیان این مسئله می پردازد. (۱۷)

شبکه های تعهدآور قادرند در جوامعی همچون بوسنی و سومالی که به دلیل کشمکشهای قومی تجزیه شده و هنوز هم به وسیله احزاب پوپولیستی^{۲۶} و رهبران قدرت طلب در سازمانهای رقابتی بسیج می شوند باعث بروز مشکلاتی گردند. در پاسخ به این مسئله پوتنام اظهار می دارد که چالش اصلی، سوق دادن نیروهای مثبت سرمایه اجتماعی، به سمت اهداف شرافتمندانه و تقویت شبکه های جذبی ارتباط دهنده یا قطع کننده می باشد که باشگاههای ورزشی جوانان در آفریقای جنوبی یا شبکه Civic Forum در ایرلند شمالی، که بخشهای مختلف جامعه را در یک فضای عمومی معمول گرد هم می آورند، از نمونه های آن می باشند. (۱۸)

برخلاف تمام نگرانیها در مورد سقوط انجمنهایی چون Boy Scouts, Elks یا لیگ رأی دهندگان زن^{۲۷} عده کمی ممکن است نگرانیهای مشابهی در مورد سقوط Ku Klux Klan یا شبه نظامیان میسیگان داشته باشند. در واقع موضوع مهم افول نفس انجمنهای داوطلب نمی باشد، بلکه افول آن دسته از انجمنهایی است که به طرز مثبتی در قبال زندگی مدنی

24. Bridging networks 25. Bonding networks

26. Populist factions

27. League of Women Voters

مشارکت می‌کنند، البته اگر در این انجمنها افولی وجود داشته باشد. این که شبکه‌های اجتماعی، دارای پیامدهای فرهنگی مثبت یا منفی هستند، بدین معنی است که ما باید برای فهم بهتر نقش فرهنگی سازمانهای داوطلب در توسعه مدنیت، همکاری و اعتماد، پارا از عضویت رسمی صرف فراتر بگذاریم. عملکرد انجمنها را می‌توان از طریق نمایش مستقیم ارزشها، هنجارها و خصوصیات اعضاء بر اساس پیامدهای مثبت و منفی آنها برای حصول به دموکراسی، طبقه‌بندی کرد.

تأثیرات فردی یا گسترده سطح

مضاف بر این جامعه‌شناسانی چون ادواردز^{۲۸} و فولی^{۲۹} به دنبال مفهوم سازی کولمان تأکید می‌کنند که سرمایه اجتماعی، ضرورتاً از بافت ویژه‌ای برخوردار است؛ در واقع سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی و هنجارهای اجتماعی موجود بین گروههایی که کار مشارکتی را تسهیل می‌سازند، وجود دارد، اما این ضرورتاً قابل انتقال به دیگر بافتها نیست.^(۱۹) برای مثال کولمان بحث می‌کند که بسیاری از امور مربوط به تجارت الماس در نیویورک، بر پایه رابطه معامله و اعتماد متقابل در میان جامعه هماهنگ تجار می‌باشد، اما این هنجارها، در خارج از این بافت درونی، دوام و تداومی ندارد، بنحوی که تجار، الزاماً به دیگر مردم در جوامع یکپارچه‌ای با درصد اعتماد بالا زندگی

28. Edwards

29. Foley

30. Amish

31. Newton

32. Kaase

گرایشهای متغیر و نتایج

ثابتی را از سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۹۴ نشان می‌دهد. (۲۴) در عوض او در می‌یابد که برخی گروهها، کاهش عضویت را تجربه کرده‌اند (اتحادیه‌ها، سازمانهای ائتلافی، گروههای ورزشی و سازمانهای یونانی)، اما شش گروه دیگر دارای نرخ ثابتی بوده‌اند، و این در حالی است که عضویت در دیگر گروهها، به طرز چشمگیری افزایش داشته است (گروههای وابسته به کلیسا، باشگاههای تفریحی، گروههای ادبی، انجمنهای حرفه‌ای، سازمانهای مدرسه‌ای و گروههای کهنه سرباز) (۲۵)، من در کار قبلی‌ام این سؤال را مطرح ساختم که آیا در تعهد مدنی آمریکا، حتی در شاخصه‌های عمومی‌ای چون شرکت در انتخابات، علاقه به فعالیت در مبارزات سیاسی و انتخاباتی یک سیر نزولی سکولار ثابتی وجود دارد؟ محاسبات تاریخی - نهادی و انتخابی - منطقی زندگی مشارکتی آمریکا، همچنین تفاسیر بدیلی از نظریه نزول مدنی، را ارائه کرده است. (۲۶)

تلاشهای انجام شده جهت یافتن پیشرفت‌های موازی در جوامع فراصنعتی مشابه، در دیگر جاها تاکنون بی‌نتیجه مانده است. (۲۷) تحقیقات و بررسیها برای بدست آوردن مدرکی جهت اثبات یک نزول سکولار ثابت در عضویت مشارکتی در بسیاری کشورها باشکست مواجه شده است. در عوض مطالعات راهی به سوی دو الگوی دیگر گشوده است که عبارتند از:

با توجه به مشکلات بالقوه مفهوم‌سازی و ارزیابی، جای تعجب نیست که اجماع نظر کمی در ادبیات صورت گرفته باشد. در مورد این مسئله که آیا سرمایه اجتماعی در آمریکا دچار نزولی بلندمدت و غیرقابل جبران گردیده مطالعات دقیقی صورت گرفت. پوتنام در کتاب بولینگ انفرادی که اطلاعات آن برگرفته از جامعه ایالات متحده می‌باشد توضیح می‌دهد که، نقشهای عضویت در بسیاری از اشکال معمول انجمنهای مدنی که در اوایل قرن بیستم گسترش یافتند، در آمریکای بعد از جنگ دچار زوال گردیدند، که از آن جمله می‌توان به حضور کلیسا، عضویت باشگاههای اجتماعی محلی همچون Moose, Elks و انجمن اولیاء مربیان اشاره کرد. پوتنام با استفاده از مدارک تحقیقی دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۷۰ افول اشکال سنتی مشارکت سیاسی معمول، همچون حضور در نشستهای عمومی، فعالیت برای یک حزب سیاسی خاص و امضاء یک عریضه یا دادخواست را نشان می‌دهد. (۲۲)

با این حال هنوز نیز ادعاهای پوتنام از سوی چندین مفسر، مورد انتقادهای دوستانه قرار می‌گیرد. (۲۳) روتولو (۲۳) مدارک بدست آمده از بررسی اجتماعی عمومی ۳۴ را مورد بازنگری قرار داده و به بازسازی نظریه پوتنام پرداخته است. وی به این نتیجه می‌رسد که روندها در عضویت انجمنی آمریکا، بندرت یک خط نزول

(۱) روندهای پیچیده و متضاد عضویت میان گروه‌های مختلف مشارکتی، همانند اتحادیه‌های تجاری، کلیساها و سازمانهای زیست محیطی، (۲) تفاوت‌های پیوسته و مداوم در تقویت و بقای جامعه مدنی در مناطق فرهنگی مختلف در سرتاسر جهان، همانند اختلافات قدیمی بین منطقه نوردیک^{۳۵} و دولت‌های شوروی سابق. به عنوان مثال Kees Aart یکی از کاملترین مطالعات رقابتی پیرامون گرایشها در اروپای غربی برای عضویت در سازمانهای سنتی و اتحادیه‌های تجاری را از دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۹۰ و حمایت از یک جنبش نوین اجتماعی در طول دهه ۱۹۸۰ را انجام می‌دهد.^(۲۸) مطالعات انجام شده قبل از این که هرگونه کاهش عمومی عضویت در اروپای غربی را نشان دهد، اختلافات ثابتی را بین کشورهای مختلف در تقویت عضویت و همچنین نوسانات بی‌دلیلی را در این گرایشها در طول زمان به معرض نمایش می‌گذارد. در ملتهای خاص، مطالعات مبتنی بر تاریخ عموماً به تقویت یک الگوی پیچیده و متنوع می‌پردازد. پیتروال^{۳۶} در یکی از دقیق‌ترین مطالعات انجام شده این گرایشها را در مجموعه وسیعی از شاخصه‌های سرمایه اجتماعی در بریتانیا مورد بررسی قرار داده است.^(۲۹) وی به این نتیجه می‌رسد که عضویت در انجمنهای داوطلبی به طور کلی در دهه ۱۹۵۰ ثابت بوده، اما در دهه ۱۹۶۰ افزایش یافته و از آن زمان به میزان کمی کاهش یافته است. درحالی‌که

بعضی از انواع عضویت مشارکتی در بریتانیا همانند کلیساها و احزاب در دهه‌های اخیر دچار کاهش محبوبیت گردیده‌اند، در انجمنهای دیگری چون سازمانهای زیست محیطی و مؤسسه‌های خیریه، این محبوبیت افزایش داشته است به نحوی که بخشهای داوطلبی در بریتانیا همچنان ثروتمند و پر تحرک باقی مانده‌اند. مطالعات موردی مشابه در سوئد، ژاپن و استرالیا نیز بیش از این که کاهش سکولار ثابتی را در زندگی مشارکتی و تعهد مدنی نشان دهد، این روندهای پیچیده را مورد تأیید قرار می‌دهد.^(۳۰) مطالعات گسترده انجام شده در جوامع پست کمونیستی و در حال توسعه، غلط بودن وجود هرگونه ارتباط ساده بین شبکه‌های اجتماعی، توسعه سیاسی اقتصادی و حکومت داری مطلوب را آشکار می‌سازد.^(۳۱) در جای دیگر، من الگوهای عضویت در اتحادیه‌های تجاری را در بسیاری از کشورها و حضور کلیسا در اروپای غربی را همانند تمایلات بیشتر در مشارکت سیاسی چون مشارکت برای رأی و عضویت در حزب، مورد مقایسه قرار داده‌ام.^(۳۲) به خاطر کلیه دلایل که تاکنون ذکر گردیده، ارائه مدرک برای روندهای بلند مدت، به نظر محدود می‌نماید، اما الگوی کلی که پدید می‌آید، وجود یک الگوی بین‌المللی پیچیده را تأیید می‌کند. به دنبال توسعه سیاسی - اقتصادی و افزایش سطوح سرمایه اجتماعی، به نظر

35. Nordic

36. Peter Hal

برآورد سرمایه اجتماعی

می‌رسد بیش از این که شاهد نزول ساده سکولار طی عصر بعد از جنگ باشیم، تعهد مدنی با استفاده از شاخصه‌های استاندارد، به طور چشمگیری در بسیاری از دموکراسیهای انتخاباتی جدیدتر افزایش یافته، و به طور گسترده‌ای در جوامع فراصنعتی ثابت پیدا کرده است. مقایسه اعتماد اجتماعی موجود در سه موج، مطرح شده در مطالعات ارزشهای جهانی^{۳۷} (WVS) که در جدول ضمیمه ۲-A نشان داده شده، همچنین یک تصویر مرکبی را ارائه می‌کند. این که این تحلیل را بر یک پایه سیستماتیک دنبال کنیم به نظر مشکل می‌رسد، چرا که کشورهای مختلف مشمول موجهای مختلف بررسی می‌باشند، با اینحال اطلاعات موجود نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی در بسیاری از کشورها در حال نزول است، اما در دیگر کشورها به وضوح در حال افزایش است. نتایج بررسیهای مقایسه‌ای که تاکنون انجام شده بیانگر این مسئله است که با توجه به مدارک موجود، دلایل کاهش گسترده زندگی مشارکتی و اعتماد اجتماعی، الزاماً هنوز «اثبات نشده» باقی مانده است. همان گونه که در بولینگ انفرادی مطرح شد، هر چند عضویت مشارکتی در آمریکای بعد از جنگ دچار نزول گردیده، با این حال اتفاقات تاریخی خاص و تمهیدات نهادی ویژه، در ایالات متحده ممکن است این الگورا بهتر از روندهای گسترده سکولار (همانند تغییرات در رسانه‌های جمعی خانواده یا نیروی کار) بیان کند.

37. World Values Study

دیگر جوامع، بواسطه کشمکشهای قومی، ملی‌گرایی و مذهبی به شدت دچار تفرقه هستند. تحقیقات WVS به ما اجازه می‌دهد تا میزان تعلقات به سازمانهای داوطلبی و انجمنهای مدنی را مورد مقایسه قرار دهیم، و همچنین معیار مستقیمی از اعتماد شخصی موجود در بطن نظریه سرمایه اجتماعی، و چندین شاخصه استاندارد در مشارکت سیاسی و تعهد مدنی را همانند متغیرهای مستقل به ما ارائه می‌دهد.

جوامع می‌توانند مطالعات دقیق پیرامون نواحی و مناطق محلی را مقایسه و طبقه‌بندی نمایند، راهبردی که فاکتورهای مطمئن را در داخل یک کشور یکنواخت نگه داشته (همانند سیستم انتخاباتی یا سطح گسترده توسعه سیاسی - اقتصادی) و نوسانات محلی را در متغیرهای مستقل ایزوله کنند (همانند عملکرد دولتهای منطقه‌ای ایتالیا یا نرخ جنایت در ایالت‌های آمریکا).

مدارک مورد نیاز در این مطالعات، از گزارش

ارزیابی عضویت مشارکتی

فهرست درج شده در WVS در سال ۱۹۹۵ عضویت مشارکتی را به صورت ذیل مورد ارزیابی قرار می‌دهد: «اکنون می‌خواهم فهرستی از سازمانهای داوطلبی را ارائه دهم؛ در هر یک از موارد آیا شما می‌توانید به من بگویید که عضو فعال هستید، عضو غیرفعال هستید، یا عضو هیچ سازمانی از این نوع نیستید؟» فهرست شامل ۹ قسمت می‌باشد، که عبارتند از کلیسا یا سازمانهای مذهبی، سازمانهای ورزشی یا تفریحی، احزاب سیاسی، سازمانهای هنری، موسیقیایی یا آموزشی، سازمانهای زیست محیطی، و دیگر سازمانهای داوطلب. دامنه تقسیم‌بندی، گروههای ذی‌نفع و انجمنهای مدنی عمده را شامل می‌شود که در برگیرنده چند جنبش اجتماعی نوین نیز می‌باشد. این سؤال مسئله استاندارد را که از سال ۱۹۷۴ در بررسی اجتماعی عمومی آمریکا قرار داشته

WVS در سال ۹۷-۱۹۹۵ که در یک سطح اجتماعی انجام شده بدست آمده‌اند. بررسیهای انجام شده سرمایه اجتماعی را در ۴۷ کشور، شامل طیف وسیعی از جوامع در حال توسعه و صنعتی، دموکراسیهای کهن تر و جدیدتر، شبه دموکراسی‌ها و نظامهای سیاسی غیردموکراتیک، و مناطق فرهنگی جهان مورد مقایسه قرار داده است.^(۳۳) چارچوب بین‌المللی در مقایسه با مطالعات منطقه‌ای درون یک کشور خاص، مقایسه پیچیده‌تری انجام می‌دهد، اما این مزیت را دارد که با تغییر دادن نظامهای سیاسی در چارچوب امنیت تعمیم‌دهی گسترده‌تر را آسان می‌سازد. با توجه به ادعاهای پیرامون نقش جامعه مدنی در تسهیل روند دموکراتیزاسیون، مقایسه دموکراسیهای تثبیت شده، موقت و در حال استحکام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بعضی از جوامعی که شامل این تقسیم‌بندیها هستند نسبتاً همگون می‌باشند، در حالی که

بازسازی می‌کند. این ارزیابی در یک مورد مهم، و از جایی که از پاسخ دهنده سؤال می‌کند که آیا عضو یک یا چند انجمن یا گروه در درون هر طبقه بندی هست، محدود می‌شود. بنابراین این روش نمی‌تواند برای ارزیابی بعضی از اشخاصی که متعلق به چندین گروه مرتبط در یک طبقه بندی، همانند انجمنهای مختلف زیست محیطی یا سازمانهای مذهبی هستند، به کار رود. محدودیت مهم دیگر این است که سؤالی که برای این موضوع بیان می‌شود، تا حدودی در امواج متوالی WVS در نوسان است، بنابراین این مطالعه بجای این که به هرگونه مقایسه‌ای از اوایل دهه ۱۹۸۰ پردازد، تنها به تحلیل اطلاعات از موج اواسط دهه ۱۹۹۰ می‌پردازد.^(۳۴) علی‌رغم این محدودیتها، عضویت و کنش‌گرایی بیان شده در انواع مختلف انجمنها در مقایسه با پرداخت دیون رسمی ثبت شده در گزارشات رسمی، شاخصه مهمتری از توان روانشناسانه وابستگی و شناسایی به شمار می‌رود. برآورد به ما اجازه می‌دهد تا الگوهای عضویت را در معمولترین نوع انجمنها، شامل گروههای مذهبی، اتحادیه‌ها و گروههای زیست محیطی که بعضی از سازمانهای ارتباطی کلاسیک را برای احزاب سیاسی فراهم می‌کند، مورد تحلیل قرار دهیم.

کنش‌گرایی مشارکتی

می‌توان گفت که چنانچه مردم در طبقه بندی همپوشان، از قبیل کلیساها، گروههای خیریه، یا اتحادیه‌ها و سازمانهای زیست محیطی عضو باشند، جامعه مدنی قوی‌تر و منسجم‌تر خواهد شد. در نتیجه، برای پی‌بردن به صحت این مطلب، یک برآورد آلترناتیو، برای سنجش متوسط دسته‌بندیهای مشارکتی که مردم اغلب در آنها عضویت دارند (با استفاده از یک درجه بندی ۹ قسمتی) کلیه این دسته‌بندیها را جمع‌آوری کرده است. در واقع این شاخصه، گستردگی عضویت چندگانه را مورد ارزیابی قرار داده است. به طور کلی ۴۰٪ افراد مورد بررسی به هیچ یک از انجمنهای داوطلبی وابستگی نداشتند. در مقابل حدود یک چهارم از

نظر به این که بی‌ثباتی قابل ملاحظه‌ای

این افراد (۲۷٪)، تنها متعلق به یک سازمان بودند و این درحالیست که یک سوم بقیه (۳۲٪) در دو یا چند گروه عضویت داشتند. همپوشانی فرد - سطحی در بین اعضاء در بخشهای مختلف (که در اینجا به آن اشاره نشد) باعث پی بردن به این نتیجه شده است که هرچند ضرایب به طور قابل ملاحظه‌ای ثابت هستند اما در توان میزان تأثیر گذاریشان متفاوتند. (۳۵)

در حال حاضر مسئله مورد بحث تعلق منفعلانه نیست بلکه تعهد فعالتر در حیات درونی انجمنهاست. تعهد مدنی ممکن است از طریق همکاری و مباحث رودررویی چون نشستهای منظم محلی تقویت شود، نه عضویت حامیان فرعی تر. در واقع این نظریه دنباله‌رو بحثهای شولر،^{۳۸} بارون^{۳۹} و فیلد^{۴۰} است که

اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی، در گزارش WVS در سال ۱۹۹۵ با طرح این سؤال مورد ارزیابی قرار گرفت: «آیا می‌توانید بگویید که اغلب مردم قابل اعتماد هستند یا این که شما در مراودات با مردم نمی‌توانید مراقب باشید؟» این ارزیابی بنا به دلایل بسیاری همچنان محدود باقی مانده است. در حالی که مدرن‌ترین موضوعات تحقیقی، کنونی معیارهای دائمی دقیق‌تری را ارائه می‌دهند، سؤال فوق به فرد پاسخ دهنده یک حق انتخاب برای دوگانگی ساده می‌دهد. جمله دو منفی دار در نیمه دوم سؤال، ممکن

اظهار می‌داشتند تجمع محض کافی نیست: «تجمیع سازمانهایی که مردم به آنها تعلق دارند، اگر همراه با اطلاعات مبتنی بر دو مسئله ذیل نباشند، اطلاعات کمی در رابطه با سرمایه اجتماعی به ما می‌دهند: «آنچه که مردم عملاً به عنوان عضو یک انجمن انجام می‌دهند، و این که تا چه اندازه‌ای این مسئله همانند اموال خصوصی، به عموم مردم مرتبط است.»^(۳۶) طی بررسی این وضعیت سومین ارزیابی بوجود آمد، معیاری که عضویت فعال و غیرفعال را مدنظر قرار می‌دهد، نه تعلق را.

تحلیل ارتباطی ساده‌ای که در جدول ۱-۸ ضمیمه آورده شده، نشان می‌دهد که تمامی این

38. Schuller

39. Baron

40. Field

است پاسخ دهنده را سردرگم سازد. هیچگونه

بافت اجتماعی ای برای پاسخ دهنده بیان نشده

و آنها هرگز قادر نیستند تا بین طبقه بندیهای

مختلف، همانند سطوح نسبی اعتماد در دوستان،

همکاران، خانواده، غریبه ها، یا هموطنان، تمایز

قائل شوند. با این وجود، به دنبال کاربرد این

موضوع به عنوان یک مجموعه دراز مدت، در

بررسی اجتماعی آمریکا از اوایل دهه ۱۹۷۰، مسئله

مذکور به عنوان یک شاخص استاندارد برای

دسترسی به اعتماد اجتماعی پایین فردی پذیرفته

شده است، بنابراین، این مسئله خواهد توانست

برای تسهیل یکی سازی مطالعات مختلف مورد

پذیرش قرار گیرد. بخش ضمیمه این مقاله

اطلاعات بیشتری را درباره توزیع اعتماد

اجتماعی در یک طیف وسیعتر، شامل تقریباً ۷۰

جامعه، و تغییرات در امواج متوالی WVS ارائه

می کند، البته این اطلاعات مربوط به اوایل دهه

۱۹۸۰ و از زمانی است که چنین سؤالی در کلیه

بررسیها مطرح گردید (به جدول ۱-۸ مراجعه

شود).

شاخص سرمایه اجتماعی

(شرح نمودار ۸-۱ و جدول ۸-۱)

مفهوم پوتنام از سرمایه اجتماعی، با استفاده از

ترکیب شبکه های اجتماعی (با عضویت فعال

سازمانهای داوطلب سنجیده شده است) با

هنجارهای فرهنگی اعتماد اجتماعی که

مبتنی بر ارزیابیهای فوق بوده، عملیاتی شده و

مورد بررسی قرار گرفت. (۳۷)

نمایش ابعاد و توزیع سرمایه اجتماعی

(شرح نمودار ۸-۲)

برای بررسی میزان قطعیت این شاخصه دو بعد

از مفهوم سازی پوتنام پیرامون سرمایه اجتماعی

در نمودار ۲-۸ به نمایش گذاشته شده است.

به نظر می رسد جوامعی که هم در اعتماد

اجتماعی و هم کنش گرایی مشارکتی غنی

هستند، در یک چهارم بالا و در سمت راست

واقع شده باشند. اما آنهایی که در یک چهارم

پایین و در سمت چپ قرار می گیرند، هم از لحاظ

اعتماد اجتماعی و هم از لحاظ کنش گرایی

مشارکتی در سطح پایینی می باشند.

(شرح نمودار ۳-۸ و جدول ۲-۸)

گسترده گری واقعی کشورها در نمودار ۳-۸ نشان

داده شده است. نمودار گروههای چشمگیری

از جوامع را که بشدت به میراث فرهنگی در

مناطق سرتاسر جهان وابسته هستند را نشان

می دهد. کشورهایی که در سرمایه اجتماعی

غنی هستند، در گوشه راست بالا قرار دارند که

شامل ملل اسکاندیناوی (نروژ، سوئد و فنلاند)،

و هم استرالیا، آلمان غربی و سوئیس می باشند.

همان گونه که کورتیس^{۴۱} و دیگران مدتهاست

تأکید می کنند، ایالات متحده استثنائاً در

کنش گرایی مشارکتی، در سطح بالایی قرار

دارد، و این در حالیست که تقریباً در اعتماد

41. Curtis

اجتماعی نیز قوی می‌باشد.^(۳۸) اگر کاهش سیستماتیک در مشارکت سازمانی آمریکا صحت داشته باشد، آنگاه این مسئله بسیار مهمی خواهد بود چرا که بسیاری از دموکراسیهای قوی و با ثبات دیگر نیز، با سطوح پایین تری از کنش‌گرایی اداره خواهند شد.

در مقابل، بسیاری از کشورهای جمهوریهای شوروی سابق در اروپای مرکزی از قبیل مولداوی، گرجستان، آذربایجان، و روسیه که بهمراه ترکیه با میزان اعتماد و کنش‌گرایی پایین تقریباً در یک مکان قرار گرفته‌اند، هرگاه سرمایه اجتماعی شان تحلیل رود در یک چهارم مخالف قرار می‌گیرند.^(۳۹) کشورهای آمریکای جنوبی از قبیل اروگوئه، ونزوئلا و آرژانتین دارای خصوصیت کنش‌گرایی مشارکتی نسبتاً بیشتری می‌باشند، اما همگی آنها از لحاظ اعتماد اجتماعی از ضعف بین فردی مشابهی برخوردارند.^(۴۰) به نظر می‌رسد کشورهای آمریکای مرکزی که دارای اعتماد اجتماعی نسبتاً پایین و ارتباط سازمانی گسترده تری می‌باشند، مابین ایالات متحده و جوامع آمریکای جنوبی قرار گرفته باشند. سه کشور آفریقایی که در زمره کشورهای جدیدالورود محسوب می‌شوند با میزان عضویت بالا و اعتماد اجتماعی نسبتاً پایین در یک چهارم پایینی و در سمت راست قرار گرفته‌اند. و در نقطه مقابل نیز، سه جامعه‌ای که دارای فرهنگ کنفوسیوسی هستند (چین، ژاپن و تایوان)

همگی دارای میزان اعتماد اجتماعی متوسطی می‌باشند، اگر چه هنوز در مشارکت سازمانی در سطح نسبتاً پایین قرار دارند.^(۴۱) ممکن است ژاپن از خصوصیت «جامعه‌پذیری خودجوش» -اصطلاحی که فوکویاما مطرح کرد- همراه با یک حس قوی‌ای از هنجارهای مشترک و فرهنگ اعتماد فردی برخوردار باشد، اما دارای انجمنهای نهادینه شده ضعیف‌تری باشد.^(۴۲) جوامع متغیر از نظر تنوع‌یاری دارای اهمیت هستند و ما باید دلایل فرهنگی و نهادی را که باعث می‌شود غیرعضوها، با اعتماد و اعضا بی‌اعتماد باشند، بیشتر مورد مطالعه قرار دهیم. الگوها، با استفاده از تجزیه و تحلیل ارتباطی، که در جدول ۲-۸ آورده شده، نشان می‌دهند که کشورهای اروپای مرکزی و غربی، به‌طور قابل ملاحظه‌ای در جامعه مدنی ضعیف‌تر از حد متوسط آن هستند، در حالی که آمریکای لاتین دارای بی‌اعتمادی نسبتاً زیادی می‌باشد، و این در حالی است که جوامع اسکانداویناوی، در هر دو بعد، بالاتر از حد متوسط قرار دارند. توزیع کلی پراکندگی در این جدول نشان می‌دهد که سنتهای فرهنگی و تاریخی کهن و با سابقه علی‌رغم بعضی Outlierها بیانگر الگوهای متمایز در دسته‌ای کشورها می‌باشند. ما می‌توانیم بر سر ماهیت، سرمنشاء و مفهوم سرمایه اجتماعی بحث کنیم، اما به نظر می‌رسد، آنچه که فاکتور X کشورهای اسکانداویناوی به حساب می‌آید، جوامع شوروی سابق فاقد آنند.

(شرح نمودار ۸-۴)

برای مقایسه، جهت بررسی این که آیا توزیع پراکندگی مذکور معتبر و قابل استدلال بوده، یا این که بنابر برآوردهای خاص صورت پذیرفته، نمودار ۸-۴، الگوی اعتماد اجتماعی را که با توجه به عضویت در هر یک از طبقه بندی های مشارکتی طرح شده، مورد بررسی قرار می دهد. تراکم نما، نشان دهنده برخی از اختلافهای جزئی است که نیازمند شرح و بررسی بیشتری می باشد (به عنوان مثال نیوزیلند)، اما علی رغم این، الگوی کلی به طور قابل قبولی همانند اولیه بود. کشورهای اسکاندیناوی مجدداً، بیشترین سطح سرمایه گرایی اجتماعی را نشان می دهند، در حالی که جوامع اروپای مرکزی پُست - کمونیست، از سرمایه گرایی اجتماعی ضعیفی برخوردارند. این حقیقت که الگوهای مشابه فوق به وسیله دو ارزیابی آلترناتیو، بوجود آمده اند، به قابل اتکا و با دوام بودن شاخص، اعتبار بیشتری می بخشد.

پیامدهای سرمایه اجتماعی**(شرح جدول ۸-۳)**

این باعث مطرح شدن و اما بعد چه؟^{۴۲} می شود. طبق شواهد بدست آمده در این مقاله، توزیع سرمایه اجتماعی، در سرتاسر جهان هیچگاه اتفاقی نبوده است، بلکه درعوض، الگوهای قابل پیش بینی ای را ارائه می کند که به شدت به الگوهای توسعه سیاسی - اقتصادی و

دمکراتیک وابسته هستند. تمامی کشورهای غنی در سرمایه اجتماعی دارای دموکراسی و همچنین هموارترین اقتصادفراصنعتی در جهان می باشند. برای بررسی سیستماتیک تر این دستاوردها، جدول ۳-۸ ارتباط بین شاخص و برآورد اجزاء آن طیف وسیعی از شاخصه های کلی بهم پیوسته توسعه انسانی را به نمایش می گذارد. مادامی که از لحاظ تئوری، در انتظار یک فعل و انفعال قابل ملاحظه در این مسائل هستیم، ارتباط فوق نباید به عنوان الگوی پیشنهادی اثرگذار در نظر گرفته شود. ما هنوز نمی توانیم دلایل این مسئله را از اطلاعات بین-ملتی موجود روشن سازیم تا با اطمینان ادعا کنیم که به عنوان مثال استانداردهای زندگی و سطح تعلیم و تربیت، همزمان با رشد سیاسی - اقتصادی، باعث افزایش اعتماد بین فردی می گردد، یا این که جوامع بااعتماد موقعیتهای بالقوه را برای ایجاد توسعه انسانی و تغییر از جوامع کشاورزی به جوامع صنعتی و فراصنعتی قطعی تر می سازند. اطلاعات تاریخی مربوط به یک برهه زمانی خاص که براساس اطلاعات یک دوره طولانی بدست آمده، و همچنین مطالعات موردی دقیق در مورد کشورهای در حال توسعه خاص، برای بررسی این مسئله و مشخص ساختن این که براساس معمای مرغ و تخم مرغ کدامیک زودتر بوجود آمده اند، ضروری می باشد. با این حال ما می توانیم

42. So what issue

پی ببریم که آیا سرمایه اجتماعی و اجزاء آن، امروزه با بسیاری از شاخصهای معمولی توسعه اجتماعی - اقتصادی دارای رابطه نزدیکی هستند یا خیر؟

نتایج حاصل از جدول ۳-۸ تأیید می کند که سرمایه اجتماعی به طور ثابت و مؤثری با بسیاری از شاخصهای توسعه انسانی و اجتماعی - اقتصادی از قبیل سطح تعلیم و تربیت، شاخص توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) (شامل طول عمر، آموزش و پرورش و درآمد)، سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) (که براساس برابری قدرت خرید از نظر UNDP سنجیده می شود) و تراکم توزیع دستیابی به رسانه های جمعی (دستگاههای تلویزیون، روزنامه ها و اینترنت) همراه می باشد. به طور خلاصه، شکوفاترین اقتصادها، متعلق به جوامعی است که دارای سرمایه اجتماعی غنی باشند. با این حال نکته مهمی وجود دارد که بایستی متذکر شد. نگاهی گذرا به برآورد اجزاء سرمایه اجتماعی، نشان می دهد، آنچه که با توسعه اجتماعی - اقتصادی در ارتباط است اعتماد اجتماعی می باشد و البته در مورد این که شاخصهای توسعه ای با تعلق به سازمانهای داوطلبی و کنش گرایی مشارکتی مرتبط هستند، مدارک کمی وجود دارد. طبق این شواهد سرمایه اجتماعی با توسعه اجتماعی - اقتصادی مرتبط است، اما به نظر می رسد که این ارتباط از طریق اعتماد اجتماعی برقرار می شود نه جامعه مدنی. در هر ارتباطی بین سه ارزیابی بدیل پیرامون سازمانهای داوطلبی و توسعه اجتماعی - اقتصادی تنها یک یا دو شاخص عددی قابل ملاحظه وجود دارد. (۴۳) این یک دستاورد مهمی است که به توصیف نظریه پوتنام پرداخته و آن را در طیف وسیعتری از جوامع با شاخصهای بدیل توسعه مورد آزمایش قرار می دهد. همان گونه که فوکویاما بحث می کند، خواه، جوامع با اعتماد دارای مجموعه مشترکی از اصول اخلاقی، و هنجارهای درونی باشند که برای داد و ستد مناسب در بازارهای اقتصادی سودمند است، و خواه رفاه بیشتر و امنیت اقتصادی، سطوح جنایت و فشار فقر را که باعث ترس ما از هموعانمان می شود را کاهش دهد، همچنان یک سؤال مهم باقی می ماند که بیش از این نمی توان آن را در اینجا بسط داد. (۴۴)

چگونه سرمایه اجتماعی با شاخصهای سلامت سیاسی دموکراسی مرتبط است؟ همان گونه که قبلاً بیان شد، نظریه پوتنام، با ایجاد مجموعه ای از نظریه های مهم که قابل تجربه نیز هستند، خصوصاً با شواهد بین - ملتی سیستماتیک، ادعاهای قوی ای را درباره آثار سودمند سرمایه اجتماعی برای دموکراسی مطرح می سازد. بر پایه بحثهای مطرح شده در کارکرد دموکراسی ها جوامعی غنی در سرمایه اجتماعی (که با شبکه های مشارکتی و اعتماد اجتماعی مشخص می شوند) بایستی دارای منابع قابل ملاحظه ای تحمل اجتماعی، سطوح

نسبتاً بالایی تعهد مدنی، که بر اساس شاخصه های استاندارد دی چون گرایشات و مباحث سیاسی سنجیده می شوند، و عملکرد نهادی مؤثرتر در دموکراسی انتخابی باشند. چنانچه سرمایه اجتماعی، دارای چنین پیامدها و نتایجی باشد، آنگاه هرگونه انقباضی در حوزه سرمایه اجتماعی، تأثیرات مهمی بر روی دموکراسی خواهد گذاشت. در غیر این صورت عملاً تأثیری در سیاست نخواهد داشت. (اگر چه، هرگونه کاهش در سرمایه اجتماعی می تواند همچنان دارای پیامدهای اجتماعی و اقتصادی باشد).

سرمایه اجتماعی و تحمل اجتماعی

(شرح جدول ۵-۸)

یکی از معمولترین ادعاها در نظریه های سرمایه اجتماعی این است که تماس رودررو و توانایی ارتباطی بسیاری از سازمانهای داوطلبی و انجمنهای مدنی، مردم را از حرفه ها سوابق اجتماعی و ارزشهای سیاسی مختلف گردهم می آورد، که بدین وسیله تحمل اجتماعی، خلق و خوها و شیوه های زندگی و اگر رشد و بهبود می یابد. تحمل اجتماعی در WVS با سؤال زیر مورد سنجش قرار می گیرد: «گروههای مختلفی از مردم در این فهرست وجود دارند. آیا شما می توانید هرکسی را همانند جنایتکاران، نژادهای دیگر، معتادان و همجنس بازان که تمایلی به همسایه شدن با او ندارید کنار بگذارید؟» پاسخهایی که به ده طبقه بندی مختلف داده شده

نتایج بدست آمده مؤید این نکته است که کشورهای با سرمایه اجتماعی غنی، نسبت به کشورهای فقیر هستند عموماً دارای خصلت تحمل پذیرتری در قبال شیوه های مختلف زندگی هستند. این روابط چشمگیر و نسبتاً قوی می باشند ($R=0.35$ $P>0.01$). علاوه بر این، به نظر می رسد که ارتباط از طریق عضویت و کنش گرایی مشارکتی عمل می کند نه اعتماد اجتماعی (که در سطح متداول ۰/۰۵ چندان چشمگیر نمی باشد). این مسئله بیان کننده این نکته است تعاملات اجتماعی ای که باعث بوجود آمدن درک و همدلی بیشتر بادیگران در یک سازمان می شوند، ممکن است که در سطح وسیعتر دارای تأثیراتی باشد که کل جامعه را نیز در برگیرد. با این حال توزیع گسترده در سرتاسر خط، در طرح

تراکم نما نشان دهنده این موضوع است که عاملهای زیاد دیگری نیز می توانند، بر سطوح کلی تحمل اجتماعی گروههای کوچکتر همانند سنتهای فرهنگی، شکافهای عمیق قومی و میراث تاریخی تأثیر بگذارند.

خصوصی، جنبش های زیست محیطی و جنبش زنان؛ (۳) نهادهای سلسله مراتبی سنتی (پلیس، ارتش و اتحادیه ها)؛ و (۴) سازمانهای بین المللی (همانند سازمان ملل و آژانسهای منطقه ای از قبیل اتحادیه اروپا)، چهار معیار مختلف بوجود آمدند.

سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی

(شرح جدول ۴-۸)

شاخصهای مختلف فرهنگ سیاسی و حمایت سیستمی، از قبیل ثبات در نهادهای مدنی و سیاسی، رضایت از عملکرد رژیم سیاسی حاضر، و مشارکت در سیاستها در تحقیقات و بررسیهای انجام شده توسط WVS به خوبی قابل دسترسی می باشند. سوابق تحقیقات قبل نشان می دهد که ثبات نهادی دارای چندین بعد می باشد، بنحوی که مردم بین انواع و سطوح مختلف سازمانها را تشخیص می دهند. (۴۵)

نتایج حاصله در جدول ۴-۸ نشان می دهد که برخلاف نظریه پوتنام، اغلب شاخصهای فرهنگی ثبات نهادی و تجمع انتخاباتی، به طور مداوم و نسبتاً مثبت، با سطح سرمایه اجتماعی در یک وضعیت ملی ارتباطی ندارد. تضادهای موجود بین این دستاوردها و دستاوردهای پیشین درخصوص ثبات نهادی، احتمالاً با مقایسه طیف وسیعتری از جوامع، به بهترین وجه بیان خواهد شد. (۴۷) تنها استثناء مهم، برآورد تجمع انتخاباتی بعد از جنگ (که مثبت بود) و شاخص حمایت برای نهادهای سلسله مراتبی سنتی همچون ارتش و پلیس (که منفی بود) می باشد. علی رغم استثنایات فوق و این موضوع که سرمایه اجتماعی، بایستی، ثبات نهادی و مشارکت انتخابی را افزایش دهد، شواهد موجود از این ادعاها حمایت نمی کند.

مشارکت در سیاستها در تحقیقات و بررسیهای انجام شده توسط WVS به خوبی قابل دسترسی می باشند. سوابق تحقیقات قبل نشان می دهد که ثبات نهادی دارای چندین بعد می باشد، بنحوی که مردم بین انواع و سطوح مختلف سازمانها را تشخیص می دهند. (۴۵)

تحقیقات WVS شامل یک برآورد متناسب ۴ نکته ای می باشد که ثبات را در ۱۶ نوع مختلف از نهادها همانند کلیساها، نشریات و پارلمان مورد بررسی قرار می دهد. تجزیه عوامل، همراه با تجزیه و تحلیل عناصر اساسی و varimax rotation (با جزئیاتی که در اینجا منعکس نشده اند) برای بررسی ابعاد مختلف ثبات نهادی در سطح ملی، بکار رفته اند. در نتیجه با ارزیابی ثبات در (۱) نهادهای دولتی (همانند پارلمان، دولت و خدمات مدنی)؛ (۲) سازمانهای خصوصی و غیرانتفاعی (همانند نشریات، تلویزیون، شرکتهای

(شرح نمودار ۶-۸)**سرمایه اجتماعی، دمکراتیزاسیون و****حکومت داری****(شرح جدولهای ۷-۸ و ۵-۸)**

بررسی ضرورت شبکه‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی برای جوامع دمکراتیک، از طریق مطالعه رابطه بین شاخص سرمایه اجتماعی و عملکرد نهادهای دمکراتیک قابل دستیابی می‌باشد. در واقع اعتماد اجتماعی از طریق توزیع حقوق سیاسی و آزادیهای مدنی در تقسیم‌بندی ۱۴ قسمتی بدست آمده از شاخص Freedom House در سال ۹۶-۱۹۹۵، معکوس شده است، به نحوی که نمره بالا، بیانگر دموکرات‌ترین دولت می‌باشد. این ارزیابی از اوایل دهه ۱۹۷۰، به عنوان یک معیار استاندارد برای اندازه‌گیری سطح دمکراتیزاسیون بکار گرفته شده است. طبق گفته‌های پوتنام چنانچه سرمایه اجتماعی، برای کارکرد بهتر نهادهای دموکراتیک منتخب، ضروری باشند، آنگاه ما بایستی، شاهد رابطه‌ای شفاف باشیم. جوامع مورد مقایسه، شامل دولتهای غیردمکراتیک با حداقل آزادی همانند چین، بلاروس و نیجریه، رژیمهای درحال‌گذار و باثبات در مناطق اصلی جهان، و دموکراسیهای تثبیت شده غربی، می‌شود.

در سالهای اخیر، شاهد تلاشهای فزاینده‌ای برای ارزیابی و سنجش شاخصه‌های سیستماتیک، معتبر و قابل اطمینان توسعه سیاسی و وضعیت دموکراسی در طیف وسیعی

معهدا، پشتیبانی سیستمها می‌تواند به عنوان یک پدیده چند بعدی بهتر درک شود، تا یک پدیده تک بعدی. سرمایه اجتماعی، مشخصاً با شاخصهای مبهم‌تر و ضعیف‌تر تعهد مدنی در ارتباط است. ترکیب سه موضوع مختلف، باعث بوجود آمدن معیاری برای سنجش مشارکت سیاسی شده است: در واقع اهمیت اصلی به سیاستها، سطوح مختلف مباحث سیاسی، و سطح منابع سیاسی داده شده است، اما با این حال ارتباطی قوی و قابل ملاحظه بین سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی وجود دارد. هر چند در نهایت این اعتماد اجتماعی است که باعث ایجاد این ارتباط می‌گردد نه عضویت مشارکتی. همان‌گونه که در نمودار ۶-۸ نشان داده شده، کشورهای غنی در سرمایه اجتماعی، همانند نروژ، آلمان غربی، و ایالات متحده، دارای بیشترین تمایل به مشارکت در زندگی سیاسی هستند، درحالی‌که شهروندان کشورهای آمریکای لاتین، همچون کلمبیا، پرو و ونزوئلا، غیرمتمهدترین کشور به شمار می‌روند. همان‌گونه که ارتباط مذکور، در ابتدا به تمرین اعتماد اجتماعی می‌پردازد تا تعلق اشتراکی، نتایج حاصله نیز این ادعا را که تعلق به سازمانهای داوطلب و انجمنهای اجتماعی باعث تسهیل و تشویق‌گرایش به سیاست و امور عمومی می‌گردد، حمایت نمی‌کند.

از کشورها در سراسر دنیا بودیم. ما می توانیم از نتایج تحقیقات اخیر بانک جهانی که چهار بعد ثبات سیاسی، نقش قانون، کارآمدی دولت و سطح فساد را به عنوان شاخصه های حکومت داری مطلوب مورد ارزیابی قرار داده استفاده کنیم.^(۴۸) ثبات سیاسی چنانچه منعکس کننده چرخش منظم خدمات دولت، ثبات، قواعد بازی، تداوم در عملکردهای قانونمند و عدم خشونت سیاسی با توجه به عملکردهای تروریسم باشد، بسیار مهم خواهد بود. نقش قانون، با استقلال و کارآمدی قوه قضاییه و دادگاهها، درک شرارتهای خشونت آمیز و بدون خشونت و توانایی اجرای تعهدات، در ارتباط است. کارآمدی دولت، از طریق مشاهده چگونگی مورد ارزیابی قرار می گیرد. نهایتاً این که درک فساد موقعیت یک جامعه را در امر توسعه، ایفای نقشهای شفاف و قابل پیش بینی در تعاملات سیاسی و اقتصادی منعکس می سازد. قضاوتهای ذهنی، به چندین دلیل قابل اتکا نمی باشد که این دلایل عبارتند از؛ متکی بودن اندک متخصصان ملی، انتخاب رهبران تجاری و دانشمندان آکادمیک به عنوان مبنای قضاوت، تمایل احتمالی برای بررسی کشورها با استفاده از شاخص درآمد اقتصادی عالی. معهذاً در غیاب یک شاخص مطمئن که طیف وسیعی از کشورها را تحت پوشش قرار دهد، این ارزیابی، یکی از بهترین ارزیابیهای موجود را ارائه می کند.^(۴۹) چنانچه سرمایه اجتماعی، نقش مهمی را در ترقی حکومتداری مطلوب، ایفا کند، آنگاه این مسئله بایستی به خوبی در این شاخصه ها قابل مشاهده باشد. روابط موجود در جدول ۵-۸ نشان می دهد که سرمایه اجتماعی به طور قابل ملاحظه ای با شاخصه های دموکراتیزاسیون و حکومت داری مطلوب مرتبط می باشد. بررسی بیشتر نمودار ۷-۸، رابطه قابل ملاحظه ای ($R=0.48$ $P>0.1$) را بین سطح سرمایه اجتماعی و سطح دموکراتیزاسیون به اثبات می رساند. باید گفت که میزان مشابهی از سرمایه اجتماعی بین جوامع غیردموکراتیک، شبه دموکراتیک و دموکراتی (همانند ایران، کره جنوبی و اسلواکی) همراه با انتظاراتی اندک وجود دارد. با این وجود کلیه دموکراسیهای قدیمی تر (به استثناء اسپانیا) در منحنی تند تراکم نماداری سرمایه اجتماعی غنی هستند. دموکراسیهای با ثبات که دارای بهترین اقتصادفراصنعتی هستند، همچنان از طریق به وسیله شبکه های موفق و پررونق در جامعه مدنی، مشخص می شوند. اما با این حال سرمایه اجتماعی در تمایز دموکراسیهای نوین و رژیمهای خودکامه ای چون بلاروس و آذربایجان، یا شبه دموکراسیهایی چون نیجریه و ونزوئلا، با شکست مواجه می شوند. علی رغم این رابطه بین شاخصه های حکومتداری غرب و دموکراتیزاسیون همچنان بیانگر این نکته است که آنچه این رابطه را در کلیه این شاخصه ها شکل می دهد اعتماد اجتماعی است نه کنشگرایی مشارکتی.

باشگاههای ورزشی از ویژگیهای آنها می باشد بایستی عادات قلبی ای را باعث افزایش اعتماد اجتماعی، تحمل اجتماعی و تعهد مدنی می گردند بوجود آورده تابدین وسیله موقعیتهای فرهنگی را که موجب توسعه دموکراسی می شوند، پی ریزی نمایند. نتایج حاصله، چهار پیامد اصلی را مورد بررسی قرار می دهد.

۱- در تعریف پوتنام از سرمایه اجتماعی - دو جزء اصلی وجود دارد - شبکه های اجتماعی و اعتماد اجتماعی). هرگاه این دو جطه در یک شاخص خاص ترکیب شوند آنوقت این مسئله که سرمایه اجتماعی به طور قابل ملاحظه ای با چندین شاخصه توسعه اجتماعی - اقتصادی مرتبط با هم و شاخصه های نهادی توسعه دموکراتیک در ارتباط است، صحت پیدا می کند.

۲- اما اگر این اجزاء دوگانه را از تعریف سرمایه اجتماعی پوتنام از هم جدا کنیم، آنچه که از این روند را بوجود می آورد بعد اعتماد اجتماعی است، نه بعد شبکه مشارکتی. با توجه به وجود ابهام در ارزیابی ها، سه ارزیابی بدیل از عضویت مشارکتی و کنش گرایی در تحلیل آزمایشی بکار گرفته و مورد آزمون قرار گرفته اند. اما اینها بندرت در میان دیگر شاخصه ها، دارای اهمیت می باشند و در واقع این که کدام ارزیابی بکار رود، چندان اهمیتی ندارد.

۳- علاوه بر این، سرمایه اجتماعی و عناصر آن به طور دائم وابسته به برخی از برآوردهای عمومی پشتیبانی سیستم از جمله ثبات نهادی و

بنابر کلیه دلایل مطرح شده، در حرکت از یک نظریه تجویزی در مورد سرمایه اجتماعی به سوی بررسی یک مدرک تجربی نظام مند، مشکلات عدیده ای وجود دارد. ما مجبوریم تا بر منابع اطلاعاتی موجود، که برای اهداف دیگری طراحی شده اند، تکیه کنیم. مطالعات پیشین، اصولاً بر مبنای بررسی گرایشهایی بود که طی یک زمان خاص و در داخل کشورهایی خاص که معمولاً عضویت مشارکتی رسمی را در بین بخشهای مختلفی چون اتحادیه های تجاری و سازمانهای وابسته به کلیسا مورد مطالعه قرار می دادند. اما باید گفت که این استراتژی تنها بعد ساختاری سرمایه اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهد. چنانچه شبکه های اجتماعی بتوانند برای اهدافی بکار گرفته شوند که در کل برای جامعه دارای نتایج مثبت (صلیب سرخ) یا منفی (ku klux klan) باشند آنگاه بررسی هنجارهای فرهنگی و ارزشهایی که لازمه عضویت هستند مهمتر خواهد بود.

مقایسه بین - ملتی که در این مطالعه به آن پرداخته شد، به ما امکان می دهد تا به بعضی از ادعاهای اصلی در مورد پیامدهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کنش گرایی مشارکتی و اعتماد اجتماعی پی ببریم. نظریه پوتنام بحث می کند جوامعی که شبکه های غنی و گسترده متعلق به انجمنهای مدنی، همچون گروههای زیست محیطی، سازمانهای بشردوستانه و

مشارکت انتخاباتی نیستند، هرچند رابطه قابل ملاحظه‌ای با تحمل اجتماعی و برآورهای ضعیف‌تر از مشارکت سیاسی دارند.

۴- در نهایت، شاید صرف‌نظر از پیامدهای اقتصادی و سیاسی سرمایه اجتماعی، مهمترین نتیجه، این دستاورد ساده باشد که ملتها، طبق الگوهای قابل پیش‌بینی، خوشه‌وار در سرتاسر نقشه سرمایه اجتماعی پراکنده شده‌اند. ما تنها می‌توانیم درباره دلایل این پراکندگی تفکر کنیم، اما تفسیر و توضیح آن در سنتهای فرهنگی کهن و میراث تاریخی نهفته است، که به پیش‌زمینه‌های مذهبی برمی‌گردد. نقشه سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در منطقه اسکاندیناوی و اکثر دموکراسیهای انگلو-آمریکایی (که با میزان اعتماد و عضویت بالا مشخص می‌شوند) به خوبی مشهود بوده و در قسمت اروپای مرکزی شوروی سابق و جوامع آمریکای جنوبی (با اعتماد و عضویت پایین) از وضوح کمتری برخوردار است، چه کشورهای آفریقایی زیر صحرا چه کشورهای آسیایی در مقام مقایسه، به عنوان جوامع متغیر در ربع قسمت متمایزی از نقشه سرمایه اجتماعی قرار دارند. بنابراین به طور خلاصه باید گفت که اعتماد اجتماعی مهم است. این خصیصه به دموکراسی‌ها برای ادامه فعالیتها کمک می‌کند. اما به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی از تاریخ‌های فرهنگی ریشه‌داری به ارث رسیده باشند، که مناطق اصلی جهان را متمایز می‌سازند. البته این که عنصر ایکس نوردیک را برداشته و به دموکراسیهای انتخاباتی در حال گذار که در تلاش برای ایجاد، تحکیم و نهادینه‌سازی حقوق سیاسی و آزادیهای مدنی هستند، منتقل سازیم به نظر غیر ممکن می‌رسد. این مطالعه برخلاف انجمنهایی که ما تاکنون کشف کردیم درباره مسیر اتفاقی^{۴۳} بشدت در ندانم‌گویی قرار دارد. طبق گفته نظریه پردازان سرمایه اجتماعی مشارکت ممکن است محصول فرهنگ باشد (اعتماد اجتماعی) که باعث توسعه اجتماعی - اقتصادی و دموکراتیزاسیون می‌گردد. یا متناوباً می‌توان بحث کرد، که روند مدرنیزاسیون اجتماعی و رای تغییر ارزشهاست (گسترش فرهنگهای اعتمادانگیزتر). در ملتهای فراصنعتی موفق، جایی که زندگی خوشایند، عاری از خشونت و طولانی است، مردم نسبت به هم‌نوعان خود با اعتمادتر می‌باشند. یا این که هر دو روند ممکن است همراه با هم به پیش روند. گامهای بعدی بررسی دقیقتر این یافته‌های اولیه با جزئیات بیش با تمرکز بر تأثیر تحولات بر برخی آژانسهای سنتی بسیج مدنی از جمله کلیساها و اتحادیه‌های تجاری و همچنین نقش جنبشهای اجتماعی و شبکه‌های سیاستگذاری موقت در توسعه اشکال مدرن‌تر شبکه‌سازی سازمانی، تفاسیر سیاسی و استراتژی عمل مستقیم می‌باشد.

جدول ۸-۱ - متوسط متغیرهای مستقل در ۴۷ کشور، اواسط دهه ۱۹۹۰

کشور	اعتماد اجتماعی (i)	کلیه تشکیلات داوطلبی (ii)	سازمانهای داوطلبی (iii)	فعالان داوطلبی (iv)	سرمایه اجتماعی (i) * (iv)
نروژ	۰/۶۵	۰/۸۹	۲/۴۷	۱۲/۴۶	۸/۲۸
سوئد	۰/۵۷	۰/۹۲	۲/۵۷	۱۲/۵۹	۷/۲۶
فنلاند	۰/۴۸	۰/۹۷	۲/۴۸	۱۲/۰۱	۵/۹۱
ایالات متحده	۰/۳۵	۰/۹۲	۳/۵۹	۱۴/۵۴	۵/۵۰
استرالیا	۰/۴۰	۰/۸۸	۲/۶۹	۱۳/۳۵	۵/۴۱
نیوزیلند	۰/۴۷	۰/۸۷	۲/۳۳	۱۰/۹۷	۵/۳۴
آلمان	۰/۴۰	۰/۸۶	۲/۱۳	۱۲/۰۹	۵/۰۲
تایوان	۰/۴۰	۰/۷۹	۳/۵۱	۱۱/۵۶	۴/۸۰
چین	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۹۵	۹/۳۳	۴/۷۷
سوئیس	۰/۳۴	۰/۸۱	۲/۳۱	۱۲/۱۸	۴/۳۵
ژاپن	۰/۴۰	۰/۵۱	۰/۹۳	۱۰/۲۶	۴/۰۹
جمهوری دومینکن	۰/۲۵	۰/۹۲	۳/۲۷	۱۳/۷۸	۳/۷۵
مکزیک	۰/۲۶	۰/۸۳	۲/۹۰	۱۳/۳۱	۳/۷۳
جمهوری کره	۰/۳۰	۰/۸۱	۲/۴۶	۱۲/۰۵	۳/۶۸
هند	۰/۳۳	۰/۵۴	۱/۵۵	۱۱/۳	۳/۶۷
اسپانیا	۰/۲۹	۰/۵۸	۱/۳۹	۱۰/۹۷	۳/۲۱
جمهوری چک	۰/۲۷	۰/۵۹	۱/۰۶	۱۰/۳۸	۲/۸۸
اکراین	۰/۲۹	۰/۴۷	۰/۶۰	۹/۷۱	۲/۸۱
شیلی	۰/۲۱	۰/۷۵	۲/۳۲	۱۲/۲۳	۲/۸۰
اسلواکی	۰/۲۶	۰/۶۲	۱/۱۱	۱۰/۴۱	۲/۷۲
کرواسی	۰/۲۳	۰/۸۰	۱/۶۷	۱۱/۲۲	۲/۷۰
آلبانی	۰/۲۴	۰/۶۸	۱/۰۵	۱۰/۳۵	۲/۵۸
اروگوئه	۰/۲۱	۰/۵۹	۱/۳۹	۱۰/۹۹	۲/۴۵
لتونی	۰/۲۴	۰/۴۶	۰/۷۰	۹/۹۳	۲/۴۴
مجارستان	۰/۲۲	۰/۴۹	۰/۸۲	۱۰/۲۷	۲/۴۱
نیجریه	۰/۱۸	۰/۹۶	۳/۹۰	۱۳/۵۵	۲/۳۵

ریشه

ادامه جدول ۸-۱ - متوسط متغیرهای مستقل در ۴۷ کشور، اواسط دهه ۱۹۹۰

کشور	اعتماد اجتماعی (i)	کلیه تشکیلات داوطلبی (ii)	سازمانهای داوطلبی (iii)	فعالان داوطلبی (iv)	سرمایه اجتماعی (i) * (iv)
فدراسیون روسیه	۰/۲۳	۰/۵۰	۰/۶۵	۹/۸۴	۲/۳۰
بنگلادش	۰/۲۰	۰/۶۳	۷/۵۳	۱۷/۵۷	۲/۲۹
بلاروس	۰/۲۳	۰/۵۲	۰/۷۰	۹/۸	۲/۲۷
بلغارستان	۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۳۵	۹/۴۹	۲/۲۳
آفریقای جنوبی	۰/۱۵	۰/۹۵	۳/۰۷	۱۳/۶۱	۲/۲۰
غنا	۰/۱۷	۷/۰۰	۶/۰۰	۱۳/۶۵	۲/۲۰
استونی	۰/۲۱	۰/۴۳	۰/۶۴	۹/۸۲	۲/۱۳
گرجستان	۰/۲۱	۰/۲۸	۰/۴۵	۹/۶۴	۲/۱۱
جمهوری مولداوی	۰/۲۲	۰/۶۵	۱۰/۰۳	۹/۳۶	۲/۰۹
لیتوانی	۰/۲۱	۰/۳۲	۰/۴۸	۹/۵۲	۲/۰۶
رومانی	۰/۱۸	۰/۵۵	۷/۱۴	۱۰/۶۱	۷/۹۶
آرژانتین	۰/۱۷	۰/۵۶	۷/۱۰	۱۰/۶۶	۷/۹۳
آذربایجان	۰/۱۹	۰/۴۴	۰/۶۰	۹/۷۱	۷/۸۸
ونزوئلا	۰/۱۳	۰/۶۳	۷/۸۷	۱۷/۶۷	۷/۸۱
اسلوونی	۰/۱۵	۰/۷۰	۷/۲۹	۱۰/۶۹	۷/۶۷
کلمبیا	۰/۱۱	۰/۵۹	۷/۱۲	۱۰/۴	۷/۱۸
مقدونیه	۰/۰۸	۰/۴۹	۷/۵۰	۱۰/۸۹	۰/۹۲
پرو	۰/۰۵	۰/۷۲	۲/۱۵	۱۷/۹۵	۰/۶۰
فیلیپین	۰/۰۶	۰/۴۹	۷/۰۳	۱۰/۵۹	۰/۶۰
ترکیه	۰/۰۵	۰/۳۰	۰/۵۰	۹/۶۹	۰/۵۳
برزیل	۰/۰۳	۰/۸۱	۲/۱۳	۱۲/۲۴	۰/۳۶

برای توضیح دقیق این متغیرها به متن مراجعه کنید. (i) اعتماد اجتماعی: «به طور کلی آیا شما می‌توانید بگویید که مردم قابل اعتماد هستند (۱) یا این که آیا شما در مرادوات خود با مردم مراقب نیستید؟ (۰) پاسخ مناسب، اعتماد را در هر جامعه نشان می‌دهد. (ii) کلیه تشکیلات داوطلبی: سهم جمعیت بالغ که مدعی تعلق به یکی از طبقه‌بندی‌های ۹ گانه انجمنهای داوطلبی هستند. (iii) سازمانهای داوطلبی: تعداد بخشهای سازمانی که مردم بدانها متعلقند به‌عنوان مثال می‌توان گفت که آنها عضو اتحادیه تجاری، یک باشگاه ورزشی و یک حزب سیاسی هستند. (iv) فعالان داوطلبی: معیار سازمانی که از طریق ترکیب شدن با یکدیگر نشان می‌دهند که آیا مردم عضو فعال، غیرفعال هستند یا این که عضو هیچ یک از طبقه‌بندی‌های ۹ گانه سازمانهای داوطلبی نیستند. سرمایه اجتماعی: اعتماد اجتماعی * فعالان داوطلبی.

جدول ۸-۲ - رابطه بین سرمایه اجتماعی و مناطق جهانی

شاخص سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	فعالان داوطلبی	سازمانهای داوطلبی	کلیه تشکیلات داوطلبی	مناطق جهانی
-۰/۱۱۴ ۰/۴۴۷	-۰/۱۷۷ ۰/۲۳۴	۰/۴۵۴ ۰/۰۰۱	۰/۶۰۱ ۰/۰۰۰	۰/۴۱۱ ۰/۰۰۴	R Sig
۰/۱۸۷ ۰/۲۰۹	۰/۲۶۰ ۰/۰۷۸	-۰/۰۸۸ ۰/۵۵۴	-۰/۰۱۹ ۰/۸۹۷	-۰/۲۱ ۰/۸۹۰	R Sig
-۰/۳۱۹ ۰/۰۲۹	-۰/۲۱۰ ۰/۰۱۵۶	-۰/۵۸۴ ۰/۰۰۰	-۰/۵۴۰ ۰/۰۰۰	-۰/۵۳۲ ۰/۰۰۰	R Sig
-۰/۲۱۳ ۰/۱۵۰	-۰/۲۲۳ ۰/۱۳۲	-۰/۱۶۴ ۰/۲۷۱	-۰/۱۶۲ ۰/۲۷۷	-۰/۲۶۰ ۰/۰۷۸	R Sig
۰/۲۰۳ ۰/۱۷۱	۰/۰۸۳ ۰/۵۸۰	۰/۴۱۶ ۰/۰۰۴	۰/۲۸۲ ۰/۰۵۴	۰/۲۳۲ ۰/۱۱۶	R Sig
-۰/۳۰۰ ۰/۰۴۰	-۰/۳۷۷ ۰/۰۰۹	۰/۱۷۳ ۰/۲۴۵	۰/۰۷۴ ۰/۶۲۱	۰/۰۹۳ ۰/۵۳۴	R Sig
۰/۶۴۲ ۰/۰۰۰	۰/۶۰۵ ۰/۰۰۰	۰/۲۱۷ ۰/۱۴۴	۰/۱۸۰ ۰/۲۲۷	۰/۳۴۹ ۰/۱۶	R Sig
۰/۱۸۶ ۰/۲۰۹	۰/۱۷۲ ۰/۲۴۸	۰/۱۰۱ ۰/۴۹۹	۰/۰۴۸ ۰/۷۴۹	۰/۱۲۴ ۰/۴۰۵	R Sig

تذکر: برای بررسی معیارهای سرمایه اجتماعی به جدول ۸-۱ مراجعه شود.
منبع: مطالعات ارزشهای جهانی (World Values Study) اواسط دهه ۱۹۹۰

جدول ۳-۸ - رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی - اقتصادی

شاخص سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	فعالان داوطلبی	سازمانهای داوطلبی	کلیه تشکیلات داوطلبی	
۰/۵۱۶ ۰/۰۰۰	۰/۴۸۱ ۰/۰۰۱	۰/۱۲۵ ۰/۴۰۹	-۰/۰۲۷ ۰/۸۵۹	۰/۲۳۳ ۰/۱۱۹	R Sig. خالص ثبت نام در آموزش و پرورش ۱۹۹۸ (N.46)
۰/۴۵۹ ۰/۰۲۱	۰/۴۵۲ ۰/۰۲۳	۰/۱۲۰ ۰/۵۶۸	-۰/۰۵۷ ۰/۷۸۸	۰/۲۶۳ ۰/۲۰۴	R Sig. تحول در ثبت نام آموزش و پرورش ۹۸-۱۹۷۰ (N.25)
۰/۴۵۷ ۰/۰۰۱	۰/۴۵۷ ۰/۰۰۱	-۰/۱۰۴ ۰/۴۸۸	-۰/۲۱۰ ۰/۱۵۶	-۰/۰۲۱ ۰/۸۸۸	R Sig. انتظارات زندگی ۱۹۹۸ (N.47)
۰/۱۴۱ ۰/۳۵۰	۰/۱۰۲ ۰/۴۹۸	-۰/۰۱۸ ۰/۹۰۸	-۰/۱۲۰ ۰/۴۲۶	-۰/۰۳۵ ۰/۸۱۷	R Sig. جمعیت شهری. برنامه توسعه سازمان ملل سال ۲۰۰۰ (N.46) (N.46)
۰/۴۶۷ ۰/۰۱۱	۰/۴۲۹ ۰/۰۲۰	-۰/۰۳۹ ۰/۸۴۲	-۰/۱۸۸ ۰/۳۲۹	۰/۰۸۹ ۰/۶۴۵	R Sig. شاخص توسعه انسانی ۱۹۷۵ (N.29)
۰/۴۹۹ ۰/۰۰۰	۰/۴۷۵ ۰/۰۰۱	۰/۰۰۲ ۰/۹۹۰	-۰/۱۲۷ ۰/۴۰۰	۰/۱۰۲ ۰/۴۹۹	R Sig. شاخص توسعه انسانی ۱۹۹۸ (N.46)
-۰/۵۳۹ ۰/۰۰۰	-۰/۵۰۳ ۰/۰۰۰	-۰/۰۶۵ ۰/۶۶۷	۰/۰۷۱- ۰/۶۳۹	۰/۱۴۵ ۰/۳۳۷	R Sig. ردیف شاخص توسعه انسانی ۱۹۹۸ (N.46)
۰/۶۵۷ ۰/۰۰۰	۰/۶۱۵ ۰/۰۰۰	۰/۲۱۷ ۰/۲۳۳	۰/۱۲۷ ۰/۴۸۹	۰/۳۳۸ ۰/۰۵۸	R Sig. تولید ناخالص داخلی (سرانه تولید ناخالص داخلی در PPP) ۱۹۷۵ (سرانه تولید ناخالص داخلی در PPP) (N.32) (N.32)
۰/۷۲۷ ۰/۰۰۰	۰/۶۶۶ ۰/۰۰۰	۰/۳۴۵ ۰/۰۱۹	۰/۲۴۸ ۰/۰۹۷	۰/۴۱۸ ۰/۰۰۴	R Sig. تولید ناخالص داخلی ۱۹۹۸ (سرانه تولید ناخالص داخلی در PPP) (N.46) (N.46)
۰/۶۹۹ ۰/۰۰۰	۰/۶۷۱ ۰/۰۰۰	۰/۱۸۷ ۰/۳۰۵	۰/۱۰۶ ۰/۵۶۳	۰/۲۸۴ ۰/۱۱۵	R Sig. تحول در تولید ناخالص داخلی ۹۸-۱۹۷۵ (N.32)
۰/۵۷۷ ۰/۰۰۰	-۰/۵۸۷ ۰/۰۰۰	۰/۰۳۳ ۰/۸۳۰	-۰/۱۰۷ ۰/۴۸۰	۰/۰۲۵ ۰/۸۷۱	R Sig. تعداد تلویزیون به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر طبق برآورد بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ (N.46) (N.46)
۰/۷۰۷ ۰/۰۰۰	۰/۷۴۴ ۰/۰۰۰	۰/۰۶۱ ۰/۶۹۷	-۰/۰۰۸ ۰/۹۶۱	۰/۱۵۲ ۰/۳۲۹	R Sig. تعداد روزنامه به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر طبق گزارش سال ۱۹۹۶ یونسکو (N.43) (N.43)
۰/۷۸۶ ۰/۰۰۰	۰/۶۹۸ ۰/۰۰۰	۰/۴۱۶ ۰/۰۰۴	۰/۳۳۶ ۰/۰۲۱	۰/۴۹۱ ۰/۰۰۰	R Sig. درصد جمعیت طبق برآورد شبکه کامپیوتری NUA در سال ۲۰۰۰ (N.47) (N.47)

تذکره: برای بررسی معیارهای سرمایه اجتماعی به جدول ۱ مراجعه شود. رابطه‌ای که در سطوح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ از بقیه چشمگیرتر می‌باشد به صورت پررنگ نشان داده شده است. تعدادی کشورهایی که برای هر شاخص مورد مقایسه قرار گرفتند در داخل پرانتز و با حرف (N) مشخص شده‌اند آورده شده‌اند.

منبع: معیارهای سرمایه اجتماعی: مطالعه ارزشهای جهانی (WVS) اواسط دهه ۱۹۹۰؛

شاخص توسعه انسانی: برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۱، گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۱ نیویورک؛ برنامه توسعه سازمان ملل/انتشارات دانشگاه آکسفورد؛ سرانه تولید ناخالص داخلی در برابری قدرت خرید؛ شاخصهای توسعه بانک جهانی، کامپیوتر مرکزی بانک جهانی ۲۰۰۰؛

روزنامه‌ها به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر؛ یونسکو ۱۹۹۹، سالنامه آماری یونسکو، نیویورک؛ یونسکو؛

برای دستیابی به جزئیات بیشتر در مورد شیوه‌های مورد استفاده برای این برآوردها به کتاب Digital Divide نوشته پینوریس از انتشارات دانشگاه کمبریج در سال ۲۰۰۱ مراجعه کنید. %on line www.NUA.com

جدول ۴-۸- رابطه بین سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی

شاخص سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	فعالان داوطلبی	سازمانهای داوطلبی	کلیه تشکیلات داوطلبی	
۰/۱۲۲	۰/۱۷۲	-۰/۱۶۷	-۰/۱۸۰	-۰/۰۳۴	R شرکت کنندگان (میانگین رأی جمعیت دارای سن رأی در دهه ۱۹۹۰)
۰/۴۱۹	۰/۲۵۴	۰/۲۶۷	۰/۲۳۲	۰/۸۲۱	Sig.
۰/۱۱۸	۰/۱۲۵	-۰/۰۴۶	-۰/۱۲۶	۰/۰۴۲	R شرکت کنندگان (میانگین رأی جمعیت واجد شرایط سنی دهه ۱۹۹۰)
۰/۴۳۴	۰/۴۰۹	۰/۷۵۹	۰/۴۰۶	۰/۷۸۴	Sig.
۰/۳۷۴	۰/۴۳۶	-۰/۱۴۰	-۰/۱۵۸	۰/۰۳۳	R مشارکت بعد از جنگ (میانگین رأی جمعیت دارای سن رأی در دهه ۱۹۹۰)
۰/۰۱۰	۰/۰۰۲	۰/۳۵۳	۰/۲۹۴	۰/۸۲۶	Sig.
۰/۳۴۷	۰/۲۸۰	۰/۳۱۲	۰/۱۴۲	۰/۳۷۰	R فرهنگ سیاسی
۰/۰۱۹	۰/۰۶۳	۰/۰۳۷	۰/۳۵۳	۰/۰۱۲	Sig. تحمل اجتماعی
۰/۴۲۵	۰/۴۰۲	۰/۲۶۳	۰/۲۶۰	۰/۲۶۰	R میزان درگیری در مسائل سیاسی
۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۷۸	۰/۰۸۱	۰/۰۸۲	Sig.
-۰/۱۵۲	-۰/۱۷۵	-۰/۰۳۶	-۰/۰۳۰	-۰/۰۰۶	R اعتماد به نهادهای دولتی
۰/۳۱۹	۰/۲۵۱	۰/۸۱۳	۰/۸۴۷	۰/۹۷۱	Sig.
۰/۲۲۳	۰/۲۷۲	-۰/۱۸۰	-۰/۱۶۴	-۰/۰۱۳	R اعتماد به آژانسهای خصوصی / غیرانتفاعی
۰/۱۴۱	۰/۰۷۰	۰/۲۳۷	۰/۲۸۳	۰/۹۳۳	Sig.
۰/۲۶۴	۰/۲۰۱	۰/۲۳۰	۰/۱۹۰	۰/۱۸۰	R اعتماد به آژانسهای بین المللی
۰/۰۹۱	۰/۲۰۳	۰/۱۴۳	۰/۲۲۹	۰/۲۵۴	Sig.
-۰/۳۳۸	-۰/۳۱۲	-۰/۲۳۹	-۰/۴۳۳	-۰/۳۳۶	R اعتماد به نهادهای سنتی سلسله مراتبی
۰/۰۲۱	۰/۰۳۵	۰/۰۵۲	۰/۰۰۳	۰/۰۲۲	Sig.
۰/۱۸۱	۰/۱۵۶	۰/۱۳۱	۰/۰۷۳	۰/۱۴۲	R ارزیابی عملکرد نظام کنونی (۱۰ نقطه قیاس از بد به خوب)
۰/۲۴۶	۰/۳۱۸	۰/۴۰۲	۰/۶۴۰	۰/۳۶۵	Sig.
-۰/۲۰۴	-۰/۱۸۰	-۰/۱۳۹	-۰/۱۵۰	-۰/۱۲۲	R ارزیابی عملکرد نظام گذشته (۱۰ نقطه قیاس از بد به خوب)
۰/۱۸۹	۰/۲۴۸	۰/۳۷۶	۰/۳۳۸	۰/۴۳۵	Sig.

تذکر: برای بررسی معیارهای سرمایه اجتماعی به جدول ۱ مراجعه شود. رابطه ای که در سطوح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ قابل ملاحظه باشد به صورت پررنگ نشان داده شده است.

سطوح دمکراتیزاسیون: این ارزیابی توسط شاخص حقوق سیاسی و آزادیها مدنی Freedom House بین سالهای ۲۰۰۱-۱۹۷۲ انجام شده است. www.freedomhouse.org

شرکت کنندگان انتخاباتی: رأی به عنوان سهمی از جمعیت دارای سن رأی و رأی به عنوان سهمی از رأی دهندگان واجد شرایط سنی، در انتخابات برگزار شده طی دهه ۱۹۹۰ از طریق International Ideas Voting Turnout Around the world طی سال ۲۰۰۰-۱۹۹۵ بدست آمده است. www.idea.in

متغیرهای سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی: مطالعات ارزشهای جهان (WVS)، اواسط دهه ۱۹۹۰.

۱۸۸

۱۸۸

جدول ۵-۸- رابطه بین سرمایه اجتماعی، دموکراتیزاسیون و حکومت داری مطلوب

شاخص سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	فعالان داوطلبی	سازمانهای داوطلبی	کلیه تشکیلات داوطلبی	
۰/۴۳۲ ۰/۰۰۲	۰/۳۶۸ ۰/۰۱۱	۰/۲۱۴ ۰/۱۴۹	۰/۰۷۸ ۰/۶۰۰	۰/۲۳۷ ۰/۱۰۸	R Sig.
۰/۵۷۱ ۰/۰۰۰	۰/۴۳۵ ۰/۰۰۲	۰/۵۴۴ ۰/۰۰۰	۰/۳۷۵ ۰/۰۰۹	۰/۵۰۰ ۰/۰۰۰	R Sig.
۰/۳۶۷ ۰/۰۱۱	۰/۳۱۹ ۰/۰۲۹	۰/۱۵۴ ۰/۳۰۰	۰/۰۱۶ ۰/۹۱۵	۰/۱۸۵ ۰/۲۱۳	R Sig.
۰/۴۸۳ ۰/۰۰۱	۰/۴۰۴ ۰/۰۰۵	۰/۲۶۹ ۰/۰۶۷	۰/۱۴۳ ۰/۳۳۷	۰/۲۸۳ ۰/۰۵۴	R Sig.
۰/۶۸۰ ۰/۰۰۰	۰/۶۷۶ ۰/۰۰۰	۰/۱۴۰ ۰/۳۵۲	۰/۱۲۸ ۰/۳۹۷	۰/۲۷۸ ۰/۰۶۱	R Sig.
۰/۷۲۳ ۰/۰۰۰	۰/۶۷۶ ۰/۰۰۰	۰/۲۸۳ ۰/۵۷	۰/۲۵۴ ۰/۰۸۸	۰/۳۹۴ ۰/۰۰۷	R Sig.
۰/۶۷۷ ۰/۰۰۰	۰/۶۲۴ ۰/۰۰۰	۰/۲۹۴ ۰/۰۴۸	۰/۲۵۴ ۰/۰۸۸	۰/۴۲۵ ۰/۰۰۳	R Sig.
۰/۶۹۳ ۰/۰۰۰	۰/۶۳۱ ۰/۰۰۰	۰/۳۴۳ ۰/۰۱۶	۰/۲۸۴ ۰/۰۵۶	۰/۴۷۳ ۰/۰۰۱	R Sig.

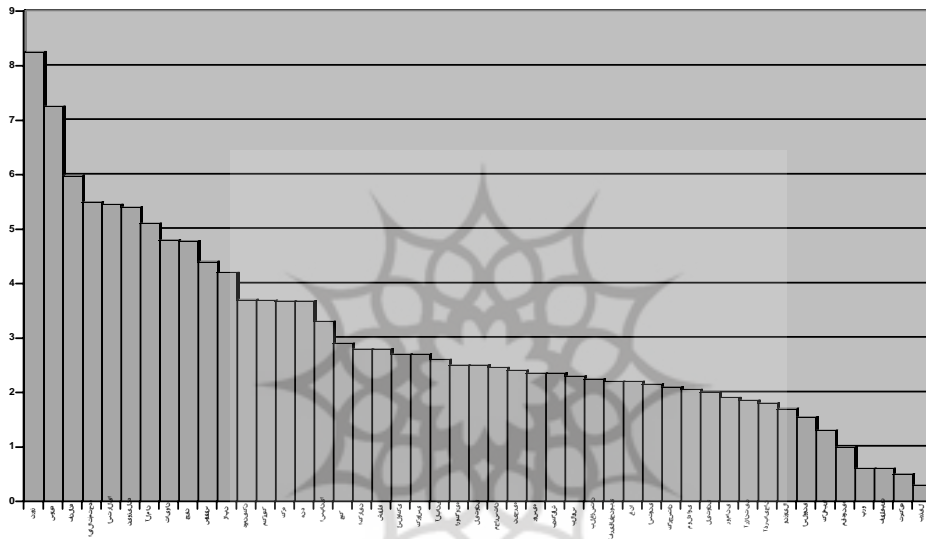
دموکراتیزاسیون: این قسمت از طریق شاخص حقوق سیاسی و آزادیهای مدنی Freedom House طی سالهای ۲۰۰۱-۱۹۷۲ بدست آمده

است. www.freedomhouse.org

شرکت کنندگان انتخاباتی: رأی به عنوان سهمی از جمعیت دارای سن رأی و رأی به عنوان سهمی از رأی دهندگان واجد شرایط سنی از طریق انتخابات برگزار شده طی دهه ۱۹۹۰ از به وسیله International Ideas Voting Turnout Around the world طی سال ۲۰۰۰-۱۹۴۵ انجام شده، بدست آمده است. www.idea.in

متغیرهای سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی: مطالعات ارزشهای جهان (WVS)، اواسط دهه ۱۹۹۰

نمودار ۸-۱ - توزیع جوامع بوسیله شاخص سرمایه اجتماعی



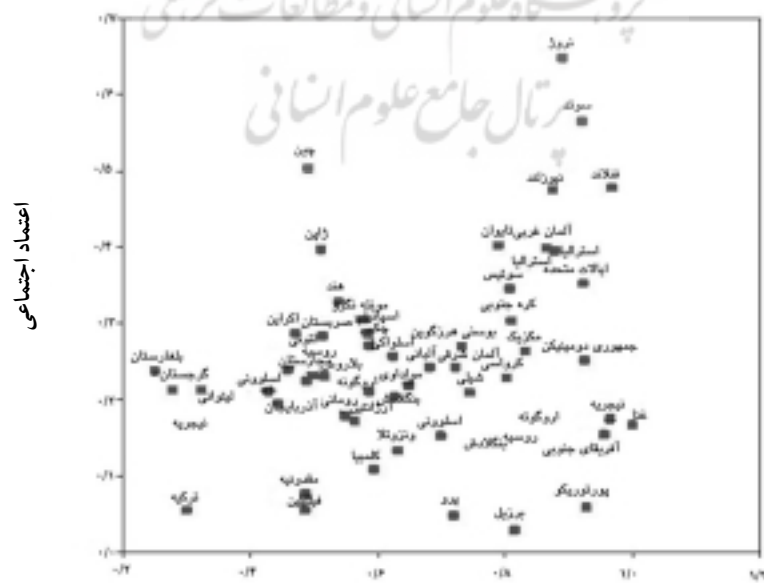
نمودار ۸-۲ - گونه شناسی جوامع از طریق سرمایه اجتماعی

		بعد ساختاری (کنش گرایی مشارکتی)	
		قوی	ضعیف
بعد فرهنگی (اعتماد اجتماعی)	قوی	متغیر	سرمایه اجتماعی غنی
	ضعیف	سرمایه اجتماعی فقیر	متغیر

نمودار ۳-۸ - نقشه سرمایه اجتماعی کشورها (اعتماد اجتماعی و کنش گرایی مشارکتی)، اواسط دهه ۱۹۹۰



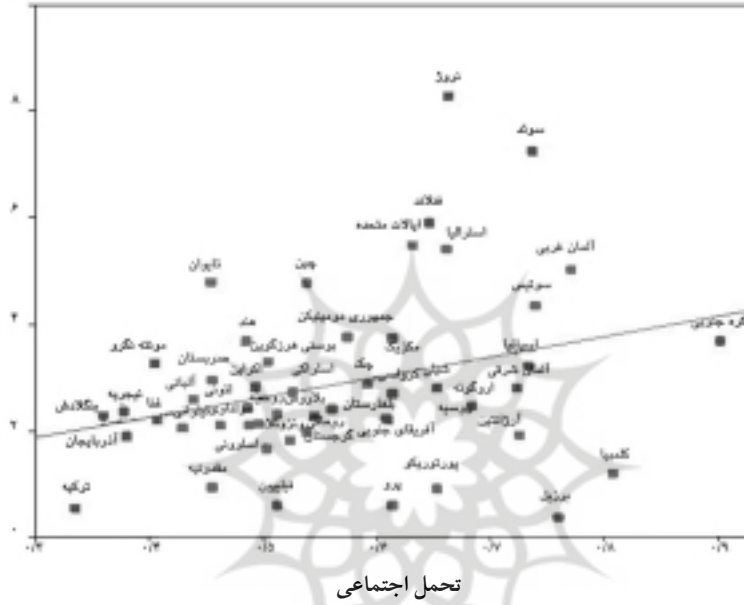
نمودار ۴-۸ - نقشه آلترناتیو سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی و عضویت مشارکتی)، اواسط دهه ۱۹۹۰



عضویت مشارکتی درصد اعضا هر سازمان

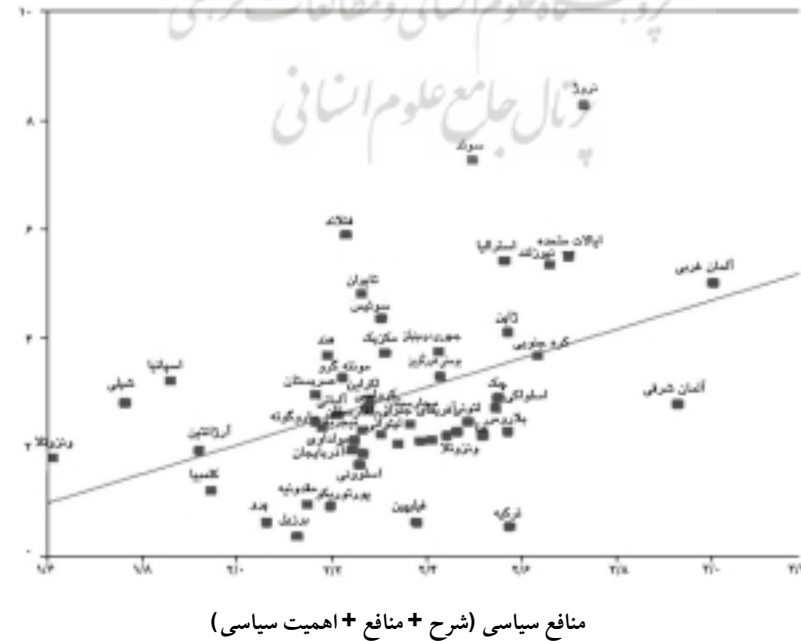
نمودار ۵-۸ - سرمایه اجتماعی و تحمل اجتماعی اواسط دهه ۱۹۹۰

شاخص سرمایه اجتماعی (کنش گرایی مشارکتی + اعتماد اجتماعی)

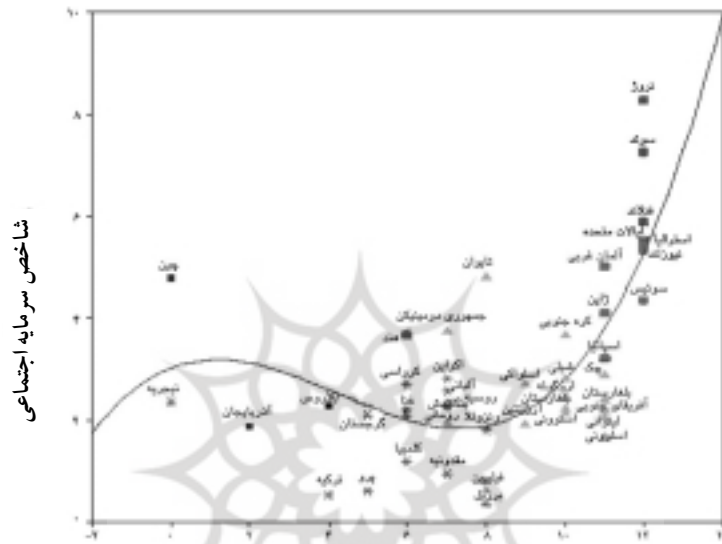


نمودار ۶-۸ - سرمایه اجتماعی و منافع سیاسی

شاخص سرمایه اجتماعی (کنش گرایی مشارکتی + اعتماد اجتماعی)



نمودار ۷-۸ - سرمایه اجتماعی و دموکراتیزاسیون



سطح دموکراتیزاسیون
(نمودار فوق از رنجهایی که از تحقیقات Freedom House بدست آمده گرفته شده است)

نمودار ۹-۸ - طبقه بندی جوامع با استفاده از سرمایه اجتماعی بعد ساختاری (عضویت مشارکتی)

		قوی		ضعیف	
		سرمایه اجتماعی غنی		متغیر	
بعد فرهنگی (اعتماد اجتماعی و تحمل اجتماعی)	قوی	سوئدی ایالات متحده تایوان مکزیک جمهوری دومینکن اسپانیا اسلواکی نیوزیلند	سوئی نروژ فنلاند آلمان استرالیا کره جنوبی سوئیس	لتونی جمهوری چک بلغارستان ژاپن	چین هند اکراین بلاروس روسیه آلبانی
	ضعیف	ونزوئلا پرو برزیل	کرواسی شیلی آفریقای جنوبی مولداوی نیجریه اسلوانی بنگلادش	لیتوانی گرجستان مقدونیه فیلیپین لهستان ترکیه	اروگوئه آرژانتین مجارستان رومانی کلمبیا استونی آذربایجان

جدول: ۱-۸-۸-۸- اعتماد اجتماعی

تغییرات	اواسط دهه ۱۹۹۰	اوایل دهه ۱۹۹۰	اوایل دهه ۱۹۸۰	درصد حداکثر مردمی که قابل اعتمادند
-	۴۰/۰	-	۴۸/۲	استرالیا
-	-	۳۷/۸	-	اتریش
+	-	۳۳/۵	۲۹/۲	بلژیک
-	۲۹/۶	۴۳/۷	۴۳/۳	بریتانیا
+	-	۵۳/۱	۴۸/۵	کانادا
+	-	۵۷/۷	۵۲/۷	دانمارک
-	۴۸/۸	۶۲/۷	۵۷/۲	فنلاند
-	-	۲۲/۸	۲۴/۸	فرانسه
+	-	۴۳/۶	۳۹/۸	ایسلند
+	۳۷/۹	۳۵/۴	-	هند
+	-	۴۷/۴	۴۷/۱	ایرلند
+	-	۳۵/۳	۲۶/۸	ایتالیا
+	۴۲/۳	۴۱/۷	۴۱/۵	ژاپن
-	۴۹/۱	-	-	نیوزیلند
-	-	۴۲/۶	۴۴/۰	ایرلند شمالی
-	-	۵۳/۵	۴۴/۸	هلند
+	۶۵/۳	۶۵/۱	۶۷/۵	نروژ
-	۲۹/۷	۳۴/۲	-	پرتغال
+	۵۹/۷	۶۶/۱	۳۵/۱	اسپانیا
-	۳۷/۰	۴۲/۶	-	سوئد
-	۳۵/۹	۵۷/۱	۴۰/۵	سوئیس
+	۴۱/۸	۳۷/۹	۳۲/۳	ایالات متحده
				آلمان غربی
				دموکراسی های نوپا تر
-	۱۷/۶	۲۳/۳	۲۶/۱	آرژانتین
-	۲/۸	۶/۵	-	برزیل
-	۲۸/۶	۳۰/۴	-	بلغارستان
-	۲۱/۴	۲۲/۷	-	شیلی
+	۲۸/۵	۲۵/۸	-	جمهوری چک
-	۲۶/۴	-	-	جمهوری دومینکن
-	۲۴/۹	۲۵/۶	-	آلمان شرقی
-	۱۴/۶	-	-	السالوادور
-	۲/۵	۲۷/۶	-	استونی

۱۹۴

ادامه جدول: ۱-۸-ا- اعتماد اجتماعی

تغییرات	اواسط دهه ۱۹۹۰	اوایل دهه ۱۹۹۰	اوایل دهه ۱۹۸۰	درصد حداکثر مردمی که قابل اعتمادند
-	۲۲/۷	۲۴/۶	۳۳/۶	مجارستان
+	۲۴/۷	۱۹/۰	-	لتونی
-	۲۷/۹	۳۰/۸	-	لیتوانی
-	۵/۵	-	-	فیلیپین
-	۱۷/۹	۳۴/۵	-	لهستان
+	۱۸/۷	۱۹/۱	-	رومانی
+	۲۷/۰	۲۳/۰	-	اسلوواکی
-	۱۵/۵	۱۷/۴	-	اسلونی
-	۱۵/۹	۲۹/۱	۲۹/۰	آفریقای جنوبی
-	۳۰/۳	۳۴/۲	۳۸/۰	کره جنوبی
	۲۷/۶	-	-	اروگوئه
	۲۷/۰			شبه دموکراسیها
	۲۰/۹			آلبانی
	۱۰/۸			بنگلادش
	۲۳/۴			کلمبیا
	۸/۲			گرجستان
+	۲۸/۱	۳۳/۵	۱۷/۵	مقدونیه
	۲۲/۲			مکزیک
-	۱۹/۲	۲۳/۲		مولداوی
	۵/۰			نیجریه
-	۲۳/۹	۳۷/۵		پرو
-	۵/۵	۱۰/۰		روسیه
	۳۷/۰			ترکیه
	۱۳/۷			اکراین
				ونزوئلا
				غیر دموکراسیها
	۲۰/۵	-	-	آذربایجان
-	۲۴/۱	۲۵/۵	-	بلاروس
-	۵۲/۳	۶۰/۳	-	چین
	۳۲/۳	-	-	مونتنگرو
	۲۹/۸	-	-	صربستان

تذکر: سؤال «به طور کلی، آیا می توانید بگویید که اغلب مردم قابل اعتماد هستند، یا اینکه شما در مرادوات خود با دیگران نمی توانید مراقب باشید؟ تغییرات، اختلاف بین اولین و آخرین موج در هر کشور را نشان می دهد.» منبع: مطالعات ارزشهای جهانی (WVS)

پانوشت‌ها

ر
ر
ر

American Community. NY: Simon and Schuster.

جدیدترین بررسیهای مقایسه‌ای انجام شده نیز در:

Susan Pharr and Robert Putnam, Eds. 2000. *Disaffected Democracies: What's Troubling the Trilateral Countries* Princeton, NJ: Princeton University Press; Robert D. Putnam. Ed. 200X. *The Dynamics of Social Capital*, Oxford: Oxford University Press.

شرح داده شده است.

5- Robert D. Putnam. 2000. *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. NY: Simon and Schuster. P.19.

پوتنام همچنین یک تعریف مرتبط با تعریف مذکور از سرمایه اجتماعی می‌دهد: «استفاده از سرمایه اجتماعی که به نظر من از خصوصیات زندگی اجتماعی- شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد- هستند، مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازند تا برای رسیدن به اهداف مشترک، با یکدیگر همکاری نمایند».

Robert D. Putnam. 1996. *Who Killed Civic Life*, *The American Prospect*. P.56.

۶- برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

Kenneth J. Arrow. 2000. "Observations on social capital." In *Social Capital: A Multifaceted Perspective*. Eds. Partha Dasgupta and Ismail Serageldin. The World Bank: Washington DC.

7- Robert Putnam. 1993. *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy* Princeton, NJ: Princeton University Press. P. 89-90.

8- Susan Pharr and Robert putnam. Eds. 2000. *Disaffected Democracies: What's Troubling the Trilateral Countries?* Princeton, NJ: Princeton University press.

۹- مراجعه شود به منبع مندرج در پانوشت (۷)

۱۰- برای بحث در این مورد رجوع شود به:

Kenneth Newton and Pippa Norris. 2000. "Confidence in Public Institutions: Faith, Culture or Performance?" In *Disaffected Democracies: What's Troubling the Trilateral Countries?* Eds, Susan Pharr and Robert Putnam. Princeton, NJ: Princeton University

۱- برای مطالعه بیشتر در این مورد مراجعه شود به:

Jeffrey Berry, 1984. *The Interest Group Society*, Boston: Little Brown; Jack L.

Walker, 1991. *Mobilizing Interest Groups in America*: Ann Arbor: University of Michigan Press.

2- Sidney Tarrow, 1994. *Power in Movement*, Cambridge: Cambridge University Press;

Charles Tilly, 1978. *From Mobilization to Revolution*. Reading, MA: Addison- Wesley;

Doug McAdam, John D. McCarthy & Mayer N. Zald. Eds, 1996. *Comparative Perspectives on Social Movements*. New York: Cambridge University Press; Russell J. Dalton and Manfred Kuechler, Eds, 1990. *Challenging the Political Order: New Social and Political Movements in Western Democracies*. New York: Oxford University Press.

3- Pierre Bourdieu, 1970. *Reproduction in Education, Culture and Society*. London: Sage; James S. Coleman, 1988. "Social capital in the creation of human capital." *American Journal of Sociology* 94: 95-120; James S. Coleman, 1990. *Foundations of Social Theory*. Cambridge: Belknap.

برای بحث پیرامون پیدایش این مفهوم همچنین می‌توانید به مقدمه کتاب

Stephen Baron, John Field, & Tom Schuller.

(Eds). 2000. *Social Capital: Critical Perspectives*. Oxford: Oxford University Press.

مراجعه کنید.

۴- کتابهایی که پیرامون این مسئله به‌طور مؤثری پرداخته‌اند عبارت‌اند از:

Robert D. Putnam. 1993. *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy* Princeton, NJ: Princeton University Press;

Robert D. Putnam. 1996. "The Strange Disappearance of Civic America." *The American Prospect*, 24; Robert D. Putnam, *Bowling Alone: The Collapse and Revival of*

of Global Power. Connecticut: Kumarian Press.

16- A. Portess and P. Landholt. 1996. "The downside of social capital." *The American Prospect* 26:18-21.

17- Robert D. Putnam. 2002. "Introduction." **In *The Dynamics of Social Capital***. Ed. Robert D. Putnam. Oxford: Oxford University Press.

۱۸-مراجعه شود به:

C. McCall and A. Williamson. 2001. "Governance and democracy in Northern Ireland: The role of the voluntary and community sector after the agreement."

Governance. 14(3): 363-383.

19- Bob Edwards and Michael W. Foley. 1998. "Civil society and social capital beyond Putnam." *American Behavioral Scientist*. 42(1): 124-139.

۲۰-مراجعه شود به منبع مندرج در پانوشته (۱۰)

۲۱-مراجعه شود به:

Kenneth Newton and Pippa Norris. 2000. "Confidence in Public Institutions: Faith, Culture or Performance?" In *Disaffected Democracies: What's Troubling the Trilateral Countries?* Eds. Susan Pharr and Robert Putnam. Princeton, NJ: Princeton University Press; Kenneth Newton. 2001. "Trust, Social Capital, Civic Society, and Democracy." ***International Political Science Review*** 22(2): 201-214; Max Kaase. 1999. "Interpersonal trust, Political trust and non-institutionalized political Participation in Western Europe." *West European Politics*. 22 (3): 1-23. See also Jan van Deth 2000. "Interesting but irrelevant: Social capital and the saliency of politics in Western Europe." ***European Journal of Political Research***. 37: 115-147.

22- Robert Putnam. 2000, ***Op Cit***, p.27.

۲۲-مراجعه شود به:

Carl Eve rett Ladd. 1996. "The Date Just Don't Show Erosion of America's Social

Press; Kenneth Newton, 2001. "Trust, Social Capital, Civic Society, and Democracy."

International Political Science Review 22(2): 201-214.

11- Robert Putnam. 2000. *Op Cit*, p. 246. Also Robert Putnam. 1995. "Tuning In, Tuning Out: The Strange Disappearance of Social Capital in America." *P.S: Political Science and Politics* XXVIII (4): 664-83; Pippa Norris. 1996 "Did Television Erode Social Capital? A Reply to Putnam" *PS: Political Science and Politics*. XXIX (3) September: 474-480.

۱۲- برای نمونه مراجعه شود به:

Frank R. Baumgartner and Jack L. Walker. 1988. "Survey research and membership in voluntary associations." *American Journal of Political Science*. 32(4): 908-28; Francis Fukuyama. 1995. *Trust: The Social Virtuous and the Creation of Prosperity*. New York: The Free Press.

۱۳- برای توضیح این تمایز و نوع‌شناسی انجمنها، رجوع شود به: Mark E. Warren. 2001. *Democracy and Association*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

14- Russell J. Dalton and Manfred Kuechler. Eds. 1990. *Challenging the Political Order: New Social and Political Movements in Western Democracies*. New York: Oxford University Press; Margaret E. Keck and Kathryn Sikkink, 1998. *Activists beyond Borders-Advocacy Networks in International Politics*. Ithaca, NY: Cornell University Press; J. Smith, C. Chatfield & R. Pagnucco. Eds. 1997. *Transnational social movements & global politics: Solidarity beyond the state*. Syracuse, NY: Syracuse University Press; H. Kriesi, D.D. Porta and Dieter Rucht. Eds. 1998. *Social Movements in a Globalizing World*. London: Macmillan.

15- Jonathan Baker. 1999. *Street Level Democracy: Political Settings at the Margins*

Ed. Robert D. Putnam. Oxford: Oxford University Press; Peter Hall. 1999. "Social Capital in Britain." **British Journal of Political Science**. 29(3): 417-61. See also William L. Maloney, Graham Smith, & Gerry Stoker. 2000. "Social Capital & Associational Life." In **Social Capital: Critical Perspectives**. Eds. Stephen Baron, John Field, and Tom Schuller. Oxford: Oxford University Press.

۳۰-مراجعة شود به:

Bo Rothstein. 2000. In **The Dynamics of Social Capital**. Ed. Robert D. Putnam. Oxford: Oxford University Press.
31- Partha Dasgupta and Ismail Serageldin. Eds. 2000. **Social Capital: A Multifaceted Perspective**. The World Bank: Washington DC.

۳۲-برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

Pippa Norris. 2002. **Count Every Voice: Democratic Participation Worldwide**. Cambridge: Cambridge University Press.

۳۳- برای بررسی جزئیات طبقه‌بندیها مراجعه شود به ضمیمه A کتاب:

Pippa Norris. 2002. **Count Every Voice: Democratic Participation Worldwide**. Cambridge: Cambridge University Press.

۳۴- متأسفانه سؤالی که برای نشان دادن تعلق درانجمنهای داوطلبی، درموجهای مختلف تحقیقات WVS مطرح گردید. هر چند مترادف بوده: اما عین هم نبودند، و همان گونه که در ذیل مشاهده می‌کنید، لغاتی که برای بیان این سؤالات به کار می‌روند، متفاوت هستند: - تحقیقات WVS در دهه ۱۹۸۰: «لطفاً به فهرست سازمانها و فعالیتهای داوطلبی ذیل به دقت نگاه کرده و بگویید که آیا به هیچ یک از آنها تعلق دارید؟ و در صورت مثبت بودن جواب به کدام یک؟» - تحقیقات WVS اوایل دهه ۱۹۹۰: «لطفاً به فهرست سازمانها و فعالیتهای داوطلبی ذیل به دقت نگاه کرده بگویید که الف) آیا به هیچ یک از آنها تعلق دارید؟ و در صورت مثبت بودن جواب به کدام یک؟ ب) آیا شما در حال حاضر، بدون دریافت دستمزد، کاری را برای آنها انجام می‌دهید؟»

- تحقیقات WVS اواسط دهه ۱۹۹۰: «اکنون من فهرستی از سازمانهای داوطلبی را برای شما می‌خوانم؛ برای هر یک از این سازمانها به من بگویید که آیا، عضو فعال آن هستید؟ یک عضو غیرفعال هستید؟ یا اصلاً عضو چنین سازمانی نیستید؟ تغییر در کاربرد لغت، مقایسه بین کنش‌گرایی را در بین کلیهٔ موجه‌ها مشکل

Capital, **The Public Perspective** 7(4); Theda Skopol. 1996. "Unravelling from Above." **The American Prospect** 25:20-25; Michael Schudson. 1996. "What if civic life didn't die?" **The American Prospect** 25: 17-20.
24- Thomas Rotolo. 1999. "Trends in voluntary association participation." **Nonprofit And Voluntary Sector Quarterly**. 28(2): 199-212.

25- Pippa Norris. 2000. **A Virtuous Circle: Political Communications in Postindustrial Societies**. Cambridge: Cambridge University Press. Chapter 13; Pippa Norris. 2002. **Count Every Voice: Democratic Participation Worldwide**. Cambridge: Cambridge University Press (Forthcoming). Chapter 8.

26- Theda Skopol & Morris P. Fiorina. Eds. 1999. **Civic Engagement in American Democracy**. Washington DC: Brookings Institution Press.

۲۷- برای دستیابی به دیگر مطالعات مقایسه‌ای انجام شده، رجوع شود به:

Jan Willem Van Deth. Ed. 1997. **Private Groups and Public Life: Social Participation, Voluntary Associations and Political Involvement in Representative Democracies**. London: Routledge; Jan Willem van Deth and F. Kreuter. 1998. "Membership of Voluntary Associations." In **Comparative Politics: The Problem of Equivalence**. Ed. Jan. W. van Deth, London: Routledge. Pp. 135-155; Jan Van Deth 2000. "Interesting but irrelevant: Social capital and the saliency of politics in Western Europe". **European Journal of Political Research**. 37:115-147.

28- Kees Aarts. 1995. "Intermediate organization and interest representation." In **Citizens and the State**, Ed. Hans- Dieter Kingemann and Dieter Fuchs. Oxford: Oxford University Press.

29- Peter Hall. 2000. "Social Capital in Britain". In **The Dynamics of Social Capital**.

T.J. Shi. 2001. "C ultural values and political trust-A comparison of the People's Republic of China and Taiwan." **Comparative Politics** 3(4): 401-412.

42- F.Fukuyama 1992. **The End of History and the Last Man**. NY: Free Press. P.159.

۴۳- این استثنائات، با مشارکت چشمگیر دائمی بین سازمانهای داوطلبی و توزیع دسترسیهای آن لاین مرتبط است، که دویی از طریق برآورد میزان دسترسی به اینترنت سنجیده می شود. به نظر می رسد که تراکم و انبوهی در تعداد سازمانهای داوطلبی، به گسترش اینترنت کمک می کند اما این ارتباط، احتمالاً، از شکاف عمیق بین شمال و جنوب در دسترسی به اینترنت، و رواج اینترنت آن لاین، بین جوامع اسکاندیناوی و آنگلو-آمریکایی، در واقع کلیه جوامع «ملحق شونده»، ناشی می شود. برای مطالعه دقیق تر مراجعه شود به:

Pippa Norris. 2001. **Digital Divide**.

Cambridge: Cambridge University Press.

44- F.Fukuyama. 1995. **Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity**. NY: Free Press.

45- Pippa Norris. Ed. 1999. **Critical Citizens: Global Support for Democratic Governance**. Oxford: Oxford University Press.

۴۶- اطلاعات از مؤسسه بین المللی IDEA، به دست آمده است. مشارکت در انتخابات در سراسر جهان سالهای ۲۰۰۰-۱۹۴۵، استکهلم ۴۷- مراجعه شود به:

Kenneth Newton and Pippa Norris. 2000. "Confidence in Public Institutions: Faith, Culture or Performance?" **In Disaffected Democracies: What's Troubling the Trilateral Countries?** Eds. Susan Pharr and Robert Putnam. Princeton, NJ: Princeton University Press.

این آمار، تأثیر اعتماد اجتماعی (سویای سرمایه اجتماعی) را مورد آزمایش قرار داد، و تعداد محدود ۱۷ کشور فراصنعتی ثروتمند و دموکراسیهای تثبیت شده را مورد بررسی قرار داده است، نه ۴۷ کشور در سرتاسر جهان.

48- Daniel Kaufman, Aart Kraay and Pablo Zoido -Lobaton. 1999. **Governance Matters**. Policy Research Working Paper 2196. Washington DC: World Bank.

۴۹- باید تذکر داد که هیچکدام از شاخصه های انتخابی، شامل آزادی مطبوعات و رسانه های جمعی نمی باشند.

می سازد، و لغاتی که در سؤال اواسط دهه ۱۹۹۰ مطرح گردید، باعث پاسخهای متفاوتی می شود. از آقای ران اینگهارت به خاطر ارائه این جزئیات متشکریم.

۳۵- متغیرها در بین بخشهای مختلف، و دلیل اینکه چرا مردم عضو می شوند، در جاهای دیگر به دقت بررسی شده است. به همین منظور می توانید مراجعه کنید به:

Pippa Norris. 2002. **Count Every Voice: Democratic Participation Worldwide**.

Cambridge: Cambridge University Press (forthcoming).

36- Stephen Baron, John Field, and Tom Schuller. (Eds). 2000. **Social Capital: Critical Perspectives**. Oxford: Oxford University Press. p.27.

۳۷- به علت اینکه این شاخصه یک برآورد مفهومی بر پایه تفاسیر نظری است، ممکن است تجزیه و تحلیل فاکتورها و آزمونهای قابل اتکایی که اغلب برای آزمون ثبات موارد سنجیده شده به کار رفته اند، تکنیکهای نادرستی باشند.

38- James E. Curtis, Edwards G. Grabb and Douglas E. Baer. 1992. "Voluntary association membership in fifteen countries: A Comparative analysis." **American Sociological Review**. 57(2): 139-152.

۳۹- برای مطالعه دقیق تر، استفاده معیارهای بدیل سرمایه اجتماعی توسط روسیه مراجعه شود به:

Richard Rose. 2000. "Uses of social capital in Russia: Modern, pre-modern, and anti-modern." **Post-Soviet Affairs**. 16(1): 33-57.

See also Richard Rose, William Mishler, Christopher Haerpfer. 1997. "Social capital in civic and stressful societies." **Studies in Comparative International Development**. 32 (3): 85-111.

۴۰- برای دستیابی به جزئیات بیشتری پیرامون روند اخیر اعتماد اجتماعی در بارومتر آمریکای جنوبی مراجعه شود به:

"An alarm call for Latin American democrats." **The Economist** 28 July 2001.

همچنین مراجعه شود به:

Roderic Ai Camp. 2001. **Citizens views of democracy in Latin America**. pittsburgh: University of Pittsburgh Press.

۴۱- برای بحث پیرامون مورد چین و تایوان مراجعه شود به: